

تعزیه و تعزیه‌خوانی در استان مرکزی

اسماعیل مجلی^۱

چکیده

پژوهش حاضر سنت تعزیه در سطح شهرها و روستاهای استان مرکزی و همچنین اجرای تعزیهٔ سیار شهر اراک را مورد بررسی قرار می‌دهد. روش تحقیق به شیوهٔ کتابخانه‌ای است و اطلاعات مورد نیاز بر اساس مستندات کتبی و شفاهی جمع‌آوری شده است. این نکته قابل ذکر است که تعزیه در اراک همان است که در سایر نقاط کشور مرسوم است. سابقهٔ تعزیه در شهر اراک را می‌توان همزمان با تأسیس شهر اراک دانست (دوران فتحعلی‌شاه قاجار) و سابقهٔ آن قبل از تأسیس اراک را می‌توان به روستاهای اطراف نسبت داد که از آنها هم شاید اسناد مکتوبی به جز نسخ تعزیه در دست نباشد. تعزیه در اراک از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۰ به صورت عمومی اجرا نمی‌شده و با ممنوعیت مواجه بود، اما از سال ۱۳۶۰ اجرای مجالس تعزیه و شبیه‌خوانی به صورت سنتی و رسمی در اراک سر و سامان یافت.

کلید واژه

تعزیه‌خوانی؛ استان مرکزی؛ تعزیهٔ سیار؛ اراک

مقدمه

تعزیه، مردمی‌ترین شکل نمایشی است که در بسیاری از روستاها و شهرهای کوچک و دور افتاده شیعه‌نشین توسط گروه‌های محلی با هرگونه لهجه و زبان به اجرا درمی‌آید و پهنه گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است و در هر منطقه، گنجینه‌ای از عناصر فرهنگی آن از جمله ادبیات و هنر را در بر گرفته است. تعزیه از روزگار باستان با نمایش سووشون یا سیاوشون در ایران رواج داشته و بعد از اسلام حداقل از روزگار آل بویه مرسوم بوده است. اوج این هنر را در روزگار صفوی می‌توان دید که متن‌های بسیار زیادی هم از آن باقی مانده است. همان‌گونه که در تاریخ ادبیات ایران آمده است، پس از روی کار آمدن صفویان، ادبیات دوران فقیری را پشت سر گذاشت که این روند تا زمان فتحعلی‌شاه قاجار ادامه داشت. با روی کار آمدن قاجاریان و ترویج هنر در بین این جماعت، ادبیات جان تازه‌ای به خود گرفت؛ به نحوی که شاعرانی با مراجعه به شعرای کلاسیک ایران، اقدام به سرایش شعر کردند و محافل مختلف ادبی به همت دربار قاجار پا گرفت و موضوعات متنوعی از جمله واقعه عاشورا به عنوان سوژه‌های اصلی سرایش شعر پدید آمد. تعزیه، هنری بود که از خلال این محافل شکل گرفت. در این دوران بود که نمایش در ایران شکل گرفت؛ تئاتر و تئاترنویسی مرسوم شد؛ موسیقی از حصار تحریم خارج شد و با تجمیع این هنرها هنر تعزیه سر برآورد و این هنرها در هنر معماری که همان تکیه باشد، گرد آمدند که اصلی‌ترین این تکیا «تکیه دولت» در طهران بود (مجللی، ۱۳۹۷: ۷۳۰).

روش تحقیق

در این جستار، روش تحقیق بر اساس مطالعه کتابخانه‌ای و میدانی است؛ بدین صورت که پس مطالعه منابع مورد نیاز، اطلاعات لازم گردآوری و نگارش شده است و به طور کلی مفاهیم تعزیه در استان مرکزی در سه مرحله شکل‌گیری تعزیه و تعزیه‌خوانی، تعزیه در استان مرکزی و تعزیه سیار در اراک مورد بررسی قرار خواهد گرفت. تعزیه، مردمی‌ترین شکل نمایشی است که در بسیاری از روستاها و شهرهای کوچک و دورافتاده شیعه‌نشین توسط گروه‌های محلی، با هرگونه لهجه و زبان به اجرا درمی‌آید و پهنه گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است و در هر منطقه، گنجینه‌ای از عناصر فرهنگی آن از جمله ادبیات و هنر را دربر گرفته است. این هنر حاصل و خروجی رستاخیز ادبی بود که در دوران قاجاریان صورت گرفت و با دست به دست هم دادن هنرهای متعدد، نمایشی به نام تعزیه در این دوران شکل گرفت. تعزیه با حمایت درباریان قاجار

صورت پذیرفت و محل پیدایش این نمایش، دربار قاجاریان بود. در این دوران که تعزیه و تعزیه‌خوانی شکل گرفت، پرونده این کار نیز بسته شد و کار به جایی کشیده شد که تعزیه‌خوانان در تعقیب حکومت قرار گرفتند و برای اجرای تعزیه به مناطق مختلف کشور از جمله روستاها هجوم بردند. گزینه‌ای که تا سال‌های پیش تر مورد عزت و احترام عموم بودند، به طور ناگهانی با رکود مواجه شد، تکیه دولت که نماد طهران در عصر ناصری بود و پیشرفته‌ترین مجالس تعزیه در آنجا اجرا می‌شد، حالت متروکه به خود گرفت و این روند در دوران پهلوی نیز استمرار داشت؛ به نحوی که محمدباقر غفاری برای پیدا کردن گروه‌های تعزیه و حضور آن‌ها در جشن هنر شیراز با مشکلاتی مواجه شد. نمایشی را که امروزه شاهد آن هستیم و واژه تعزیه را به آن اطلاق می‌کنیم، یک کپی‌برداری و تکرار برنامه تعزیه قاجاری است. آنچه باعث حیرت‌انگیز بودن این نمایش است، خروج این نمایش از طهران و گسترش آن در بیشتر مناطق کشور بود. تعزیه به نحوی گسترش یافت که امروزه شاهد اجرای آن با زبان‌های عربی و ترکی هستیم و اجرای تعزیه در بیشتر مناطق کشور چه در شهر و چه روستاها با تعزیه‌خوانان بومی و محلی همچنان ادامه دارد؛ که در این مقاله به بررسی این وضعیت و اجرای تعزیه اختصاصاً در منطقه استان مرکزی پرداخته می‌شود.

استان مرکزی در هنر تعزیه ایران، نقشی محوری و بسیار مؤثری دارد. این استان چه در زمان پیدایش تعزیه و چه در حال حاضر از مراکز اصلی نشر و ترویج تعزیه محسوب می‌شود. مقتل معروف «محررقاللوب» صورت نثر مجالس تعزیه که در قرن ۱۲ و در دوران قاجار به رشته تحریر درآمد و به عنوان منبعی برای نگارش نسخ تعزیه قلمداد می‌شود، اثر «ملا مهدی نراقی» از علمای خطه استان مرکزی است. قائم‌مقام فراهانی، صدراعظم محمدشاه قاجار که از پشتیبانان و حامیان اصلی شعر در دوره قاجار محسوب می‌شد، اهل استان مرکزی بود. میرزا تقی‌خان امیرکبیر که در صدد اصلاح عزاداری بود و شهاب اصفهانی را ترغیب به سرودن اشعار در تعزیت امام حسین (ع) نمود، اهل این منطقه بود. میرزا عبدالله فراهانی، استاد برجسته موسیقی و از چهره‌های تأثیرگذار و تنظیم‌کننده ردیف‌های موسیقایی در دوره قاجار، اهل استان مرکزی بود. شعبانعلی تفرشی، سید یوسف تفرشی، برزو بیگ کزازی، میرزا حبیب تفرشی، آقا جان ساوهای، رضا محلاتی، بلال صمغ‌آبادی، میرزا محمد محلاتی، میرزا بابا (شاکر تفرشی)، سید احمدخان ساوهای، احمد تفرشی و حسینعلی نکیسا از تعزیه‌خوانان تکیه دولت در دوران ناصری و مظفری، همه از اهالی این خطه بودند. «انجم» تعزیه‌نویس دوران قاجار که هم‌اکنون نیز نسخ آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، اهل

این استان بود و در روستای قدمگاه شازند زندگی می‌کرد. ملّا اسدالله آمره‌ای با تخلص «مخلص» از شعرای قرن سیزدهم هجری و شاعر تعزیه‌های ترکی، اهل روستای آمره از توابع کمیجان در استان مرکزی بود. چهار تکیه تاریخی زاغرم (تفرش)، آقاخان محلاتی (محلات)، باغ شیخ (ساوه) و تکیه شهر فرمهین از تکایای به جای مانده از دوران قاجاریان و فضاهای اختصاصی اجرای تعزیه در استان مرکزی هستند که در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده‌اند. در مناطق ترک‌نشین استان مرکزی از قبیل کمیجان، خنداب و... تعزیه‌های ترکی اجرا می‌شود. در اراک به جز تعزیه‌های میدانی و اجرای در تکایا، نوع دیگری از تعزیه‌خوانی با عنوان تعزیه سیار اجرا می‌شود که منحصر به فرد و از بی‌نظیرترین گونه‌های اجرای تعزیه است. بنابراین پیشینه قابل توجهی از تعزیه را در این منطقه می‌توان سراغ گرفت. در اینکه تعزیه در اراک در چه سالی و توسط چه کسی و یا کسانی راه‌اندازی شد و نخستین تعزیه‌خوانی در کجا و توسط چه کسانی روی داد، هیچ‌گونه اطلاعات مستندی به دستمان نرسید و پس از این نیز هیچ پژوهشگری در این زمینه به کسب این گونه اطلاعات توفیقی نخواهد داشت.^۱

تعزیه‌خوانی در همه شهرها و روستاهای استان مرکزی رایج و مرسوم است. در این استان به خصوص در شهرهایی همچون اراک و تفرش، تعزیه‌خوانانی ورزیده و صاحب‌نام وجود دارد که در سطح کشور شناخته شده هستند. در این منطقه، مجالسی همچون سهل بن علی، محمد عابد، شاهسواران، شاهزاده عبدالله و... از جمله مجالسی هستند که بر اساس زندگی امامزادگان مدفون در این استان سروده شده‌اند و مردم استان مرکزی، برخی از نقش‌های این مجالس را پوشش می‌دهند. به طور کلی این محدوده در عهد قاجار با عنوان عراق عجم معروف بود. در روزنامه دولت علیه ایران آمده است در محرم سال ۱۲۷۸ ه.ق (تیرماه ۱۲۴۰ شمسی) در عراق^۲ مردم جمیعاً به

۱. با توجه به اینکه پژوهشگر خود اهل این خطه است و در کنار پژوهش، در کسوت تعزیه‌خوانی نیز ظاهر می‌شود و تا حد امکان به صورت دقیق جزئیات تعزیه‌خوانی در تمام مناطق کشور را مورد بررسی قرار داده است که نتیجه آن کتاب شبیه‌نامه است، گردآوری اطلاعات در مورد شهر اراک و استان مرکزی برای صاحب کتاب شبیه‌نامه به مراتب آسان‌تر از سایر مناطق کشور است و اطلاعاتی را که در مورد استان مرکزی ارائه نموده است تا حد ممکن از دقت کافی برخوردار است.

۲. عراق عجم، ناحیه‌ای در مرکز ایران که در دوره قاجار، از نواحی و ولایات حاکم‌نشین به شمار می‌آمده و از شمال به همدان و ملایر و ساوه، از مشرق به قم و کاشان، از جنوب به محلات و کمره و جاپلق و از مغرب به بروجرد و نهاوند منتهی می‌شده است. مرکز این ناحیه، سلطان‌آباد (اراک امروزی) و وسعت آن بالغ بر ۲۱،۶۰۰ کیلومتر مربع بود (لغتنامه دهخدا). بر ما معلوم نیست که واژه «عراق» در این روزنامه، کدام منطقه امروزی را شامل می‌شود و به طور صریح نمی‌توان شهر اراک امروزی را ذکر کرد. گفتنی است قدیمی‌ترین منطقه و اثر تاریخی در شهر اراک

لوازم تعزیه‌داری پرداخته و «میرزا زکی وزیر» نیز تکیه دولتی را برپا نموده^۱ و همه روزه به تهیه لوازم تعزیه‌داری مشغول است (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۳۷۰: ۲۲۷). بنیان شهر اراک در عهد فتحعلی‌شاه قاجار گذاشته شد که تا دوران پهلوی اول دارای نام «سلطان‌آباد» بود و از دوران حکومت رضاخان به «اراک» تغییر نام داد. میرزا داوود، وزیر وظایف در سفرنامه خود در مورد سلطان‌آباد می‌نویسد: سلطان‌آباد شهری است که نسبت به شهرهای ایران خوش وضع ساخته شده است. سپهدار مرحوم این شهر را ساخته است؛ بازار طولانی و چند کاروانسرای معتبر خوب دارد. جناب ابوالحسن خان فخرالملک که سابقاً وزیرالتجار بود در اینجا حکومت دارد... مردم هم خیلی از او رضایت داشتند (قاضی عسکر، ۱۳۹۱: ۱۴۵). در بررسی‌هایی که از سفرنامه‌ها و یادداشت‌های به جای مانده از دوران قاجار در مورد برنامه تعزیه‌خوانی در این دوران در شهر سلطان‌آباد انجام شد، مدارک و اسنادی به دست آمد که از نظر می‌گذرد. نخستین و قدیمی‌ترین سند مکتوبی که در مورد اجرای تعزیه در اراک در عهد قاجار به دستمان رسیده، روزنامه وقایع اتفاقیه است با این مضمون:

«در لیالی ماه مبارک رمضان، عالیجاه مقرب الخاقان میرزا حسن خان به جهت حصول دعاگویی ذات اقدس همایون شاهنشاهی هر شب جمعی از علما و سادات و تجار و کسبه و غیره را قریب به سی چهل نفر به ضیافت دعوت نموده مجلس روضه‌خوانی برپا کرده و علاوه بر آن به جهت فقرا و مساکین هر شب سی من برنج طبخ نموده و تمام لیالی ماه صیام را به همین منوال معمول داشته است و شب‌های احیا را هم در دیوانخانه بزرگ دولتی تعزیه‌داری نموده و اطعام فقرا و مساکین کرده است» (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۲/۱۴۵۴).

در این گزارش - که مربوط به سال‌های آغازین حکومت ناصرالدین‌شاه است - از مراسمی (شاید تعزیه‌خوانی) سخن به میان آمده که در ماه رمضان در دیوان‌خانه بزرگ دولتی برگزار شده است.

(سلطان‌آباد دوران قاجار) مجموعه بازار آن است و در کنار بازار اماکن دیگری از قبیل مسجد و حمام و مدرسه، کاروانسرا و ... دیده می‌شود، اما نشانی از مکان اختصاصی تعزیه با عنوان تکیه دیده نمی‌شود. پیش‌تر نیز ذکر شد که کاروانسراها مکان مناسبی برای اجرای تعزیه هستند اما کاروانسراهایی که در بازار اراک وجود دارد و امروزه نیز کاربرد دارند، کاربری آن‌ها در همان دوران قاجاری فقط کاروانسرا بوده است.

۱. در این مطلب سخن از تکیه‌ای با عنوان دولتی در عراق به میان آمده که چند سال زودتر از تکیه دولت طهران بنا شده است. با توجه به ساخت تکیه دولت در طهران در سال ۱۲۸۶ هـ.ق، طبق شواهد موجود، قدیم‌ترین تکیه دولتی پیش از تکیه دولت، تکیه زاغرم طفرش است و چون میرزا زکی هم طفرشی بوده و طفرش هم از ایالات عراق عجم محسوب می‌شد، احتمال می‌رود که منظور از عراق در این مطلب همان طفرش (نفرش امروزی) باشد.

با توجه به اینکه در متن گزارش، فقط واژه «تعزیه‌داری» به چشم می‌خورد و به صراحت بیان‌کننده تعزیه‌خوانی و شبیه‌خوانی نیست، برگزاری مراسم سوگواری توسط حکام شهر اراک (طبق قاعده‌ای که قاجاریان پیش گرفته بودند) را تقویت می‌کند و همان‌گونه که پیشتر گفته شد، نخستین بانیان این گونه مراسم‌ها درباریان و حکام دولتی بودند و این موضوع در عراق (اراک فعلی) نیز مرسوم بوده است. در گزارش دیگری به صراحت واژه تعزیه‌خوانان عراقی دیده می‌شود و آن هم سفرنامه دکتر فووریه، پزشک مخصوص دربار ناصرالدین شاه است. وی در سفری که همراه ناصرالدین شاه به سلطان‌آباد و اطراف آن داشت می‌نویسد: «در دوم اوت و هشتم محرم بعد از رسیدن به منزل، عزیزالسلطان، تعزیه‌خوان‌های عراقی را به اردو می‌خواهد و به گفته شاه، مجلس شبیهی درمی‌آورند. در این سفرنامه پیش از اجرای تعزیه در مورد جیریا و دیزآباد صحبت‌هایی شده و ناصرالدین شاه و دکتر فووریه در این روز که هشتم محرم بود در منطقه شرا حضور داشتند و دو روز بعد یعنی در روز عاشورا در آشتیان حضور پیدا کردند. بر ما معلوم نشد که منظور ایشان از تعزیه‌خوانان عراقی چه کسانی بوده‌اند اما این موضوع تقویت‌کننده این است که در عهد ناصری در این دیار، تعزیه‌خوانی رایج و مرسوم بوده و کیفیت کار آن‌ها به گونه‌ای بوده که جسارت پیدا کرده بودند در حضور ناصرالدین شاه که شاهد تعزیه‌های باشکوه تکیه دولت بوده به اجرای تعزیه پردازند. فووریه در مورد عزاداری آشتیان می‌نویسد:

«توقف ما در آشتیان به قصد استراحت نبود. امروز که روز دهم محرم و روز قتل حسین بن علی است، مؤمنین متعصب در چنین روزی فرصت را برای قمه زدن از دست نمی‌دهند. در اردو کسانی هستند که حتی فردا هم برای معالجه زخم‌های ایشان کافی نیست. شاید هم این بی‌شعورها که حتی در سفر هم مرتکب این عمل زشت می‌شوند و از راه آمدن به این حالت در زیر آفتاب سوزان تابستان آن‌ها غالباً با پای پیاده بیمی ندارند، پوستی کلفت‌تر از مردم معمولی داشته باشند».

حسین قوامی در خاطرات خود می‌نویسد:

«سال‌های سال من و شازده میرزا ظلی^۱ دوست بودیم. او از من چیزهایی یاد گرفته و من هم از او تأثیر پذیرفته‌ام. یک بار رفته بودم اراک، روز عاشورا شد و تعزیه مفصلی راه انداخته بودند.

۱. رضاقلی میرزا ظلی درگذشته ۱۳۲۴ هـ.ش در سن ۳۹ سالگی، خواننده و استاد موسیقی سنتی ایرانی از شاگردان اقبال آذرو عارف قزوینی بود.

اسب‌ها را آرایش داده بودند با پارچه‌های خون‌رنگ که تیر چوبی به آن دوخته بودند. من و ظلی سوار دو اسب تیر خورده و مجروح شده بودیم و نسخه نوحه را داده بودند دست ما،^۱ یک دهن من می‌خواندم، یک دهن ظلی، قیامت شد» (اتحاد، ۱۳۸۹: ۸/۲۲۵).

تعزیه‌خوانان این استان از گذشته برای اجرای تعزیه به صورت دوره‌گردی و یا دعوتی به اقصی نقاط کشور سفر می‌کردند. عبدالرضا یا حسن از تعزیه‌خوانان شوش دانیال که هم‌اکنون بیش از ۶۰ سال از عمر او می‌گذرد در مورد تعزیه‌خوانان اراک می‌گوید: در دهه ۳۰ که هیئت باستان‌شناسی فرانسه به مدیریت رومن گیرشمن^۲ به تحقیقات و حفاری‌های شوش می‌پرداختند، بسیاری از کارگرانی که در این حفاری‌ها حضور داشتند، اهل اراک بودند. این کارگران در روزها به حفاری‌های باستانی می‌پرداختند و شب‌ها در صحن دانیال نبی به اجرای تعزیه می‌پرداختند و بنده که در آن برهه زمانی کودک خردسالی بودم تعزیه‌خوانی اراکی‌ها را در شوش از نزدیک دیده و همچنان در خاطراتم ثبت شده است.

در این استان امکانات تعزیه از قبیل تکیه، نسخه‌نویس و شاعر تعزیه در دوران قاجار وجود داشته و قدمت تعزیه در این منطقه با تعزیه طهران برابری می‌کند و تعزیه‌هایی بر اساس زندگی امامزادگان مدفون در این خطه وجود دارد که همه در عهد قاجار سروده شده‌اند و برخی از نقش‌های این مجالس را مردم استان مرکزی تشکیل داده‌اند و به عنوان مجالس بومی این خطه از آن‌ها یاد می‌شود. یکی از مجالس تعزیه بومی در این خطه، مجلس تعزیه شاهزاده سهل بن علی است که بر اساس زندگی و شهادت سهل بن علی در منطقه آستانه اراک تنظیم شده است که سرایش آن را به انجم منسوب می‌کنند. هم‌اکنون مزار این امامزاده یکی از مراکز گردشگری استان مرکزی محسوب می‌شود. ناصرالدین‌شاه در سفری که به منطقه سلطان‌آباد داشت به آستانه و زیارت این امامزاده نیز رفته است، دکتر فوریه در مورد آستانه و حضور ناصرالدین‌شاه در این منطقه می‌نویسد:

«بنا به افسانه‌های محلی در اطراف آستانه غارهایی است مملو از طلا. تمام اطرافیان شاه با

۱. با توجه به سال وفات ظلی (بهمن ۱۳۲۴) می‌توان دریافت که تعزیه در آن سال‌ها در اراک رواج داشته و با جلوه‌ای پرشکوه و مجلل اجرا می‌شده که جمعیت زیادی هم از آن استقبال می‌کرده‌اند. ترغیب بزرگانی چون قوامی و ظلی، به خواندن تعزیه، در کنار تعزیه‌خوانان اراک نشان از تبحر و ورزیدگی آن‌هاست. البته به شرط اینکه منظور جناب قوامی از اراک، همین شهر اراک امروزی باشد.

۲. Roman Ghirshman: باستان‌شناس فرانسوی و سرپرست گروه کاوش در جزیره خارک، ایوان کرخه و آثار پارت‌ها در مسجد سلیمان. مطالعات وی در مورد چغازنبیل نیز به چاپ رسیده است.

ایمانی زائدالوصف از طلاهای آنجا صحبت می‌نمودند و خود شاه هم، چون گفته‌ها را مسلم می‌دانست از دیگران بیشتر حرارت به خرج می‌داد. در بین درباریان عده‌ای هم نام کسانی را می‌بردند که از این طلاها بهره‌ای برداشته و از ایران بیرون شده‌اند. به اندازه‌ای شاه در این راه مصر بود که من پیش خود گمان می‌کردم شاید مسافرت شاه بالمآل برای تجسس همین گنجینه‌ها بوده و زیارت بهانه‌ای بیش نیست. گفتگو در زمینه این دفاين نقل همه مجالس شده بود؛ حتی زنان اندرون برای استفاده از منابع این نقطه که حتماً باید کالیفرنیای ایران نام نهاد، کیسه طمع دوخته و چمدان آز به دست گرفته بودند. چون چیزی به دست نیامد دست همه خالی به محل هک مراجعت نمودند. طمع کاروانی که شب و روز به این خیال کیسه‌ها دوخته بودند خالی از تماشا نبود» (فووریه، ۱۳۶۲: ۲۷۴).

با اینکه انجم از تعزیه‌سرایان عهد قاجار، اهل همین منطقه و روستایی در نزدیکی آستانه است و در زندگی خصوصی او سخن از دوستی و حتی مشاعره انجم با ناصرالدین شاه شده است در سفرنامه این شاه قجری به دیار آستانه که از آن به کالیفرنیای ایران یاد شده است، هیچ ردی از انجم و تعزیه در این منطقه دیده نمی‌شود. در دهه‌های گذشته نسخ مرسوم در اراک و استان مرکزی منسوب به انجم بود و زمینه تعزیه این منطقه را زمینه انجم می‌دانستند. از زندگی و دوران حیات این شخص اطلاعاتی به دستمان نرسید و پاسخ سوالاتی مانند اینکه انجم چه کسی بود؟ به چه دلیلی چنین وجه تسمیه‌ای داشت؟ با حمایت چه کسی به سرایش تعزیه اقدام کرد؟ چرا در منطقه‌ای مثل قدمگاه شازند چنین شخصی نسخه‌های تعزیه را به تحریر درآورد؟ و غیره بر ما معلوم نشد. اظهاراتی را از بیان برخی از شبیه‌خوانان و پژوهشگران شنیده‌ایم اما هیچ پاسخ موثق و خالی از عیب و نقصی که پاسخگوی نیاز علمی پژوهشگران باشد به دستمان نرسید. علاوه بر اینکه در هیچ یادداشتی و در هیچ نوشته‌ای از دوران قاجار ردی از انجم پیدا نکردیم. تنها موردی که بدان دست یافتیم این بود که وی در دوران قاجاریان زندگی می‌کرد. آن‌هم به دلیل اینکه از هیچ شبیه‌خوانی در منطقه شازند نشنیدیم که با انجم خاطره‌ای داشته باشد و یا از قول شبیه‌خوانان قدیمی‌تر خاطره‌ای شنیده باشد. با بررسی‌هایی که از نسخه‌های تکیه دولت داشتم، تفاوت چشمگیری در نسخه‌های انجم و تکیه دولت به چشم نمی‌خورد. حتی برخی مجالسی که به زمینه انجم معروفند، دقیقاً همان نسخه‌های تکیه دولت بودند. مجالسی همچون علی‌اکبر و قاسم و غیره با نسخه‌های تکیه دولت متفاوتند؛ در حالی که در سیر داستانی آن‌ها تفاوت چندانی دیده نمی‌شود. به طور حتم انجم سراینده

نسخه‌های تکیه دولت نبوده اما با بهره‌گیری از نسخ تکیه دولت به سرایش نسخه‌های تعزیه مبادرت ورزیده است. ضمن اینکه برخی مجالسی که در منطقه استان مرکزی به زمینه انجم منسوب هستند، همان مجالس با همان اشعار و سیر داستانی در مناطق دیگری به زمینه آن منطقه منسوب هستند. بنابراین چندان موثق و با قطعیت تمام نمی‌توان در مورد نسخه‌های انجم اظهار نظر کرد. در بین شبیه‌خوانان به خصوص شبیه‌خوانان قدیمی استان مرکزی، سراینده نسخ تعزیه این منطقه به انجم معروف است. تعزیه‌خوانان این منطقه، نسخه‌های زمینه انجم را تا پیش از انقلاب به کار می‌بردند اما پس از انقلاب بر اساس سلیقه شبیه‌خوانان این نسخ دست‌کاری شد. این نسخ در برخی روستاها بدون دست‌خوردگی به کار برده می‌شد تا اینکه رفته‌رفته نسخ مناطق تهران جایگزین این نسخ شد و برخی از مجالس سروده انجم (به خصوص مجالس مربوط به واقعه عاشورا) به طور کلی از چرخه تعزیه خارج شدند مگر اینکه شبیه‌خوانان بر اساس سلیقه شخصی بخش‌هایی از نسخ انجم را در نسخه‌های که به کار می‌برند، استفاده کنند. با این حال در بیشتر روستاها تعزیه روز عاشورا که توسط شبیه‌خوانان محلی اجرا می‌شود از نسخه زمینه انجم استفاده می‌شود و دلیل این موضوع هم آن است که نسخه روز عاشورای زمینه انجم بسیار طولانی است و شهادت بیشتر یاران امام حسین (ع) در آن به نمایش گذاشته می‌شود و خودبه‌خود به تعزیه‌خوانان بیشتری نیازمند است و از این جهت افرادی که بر اساس علاقه و نذر و نیاز علاقمند به این هستند که در روز عاشورا در هیئت یکی از یاران امام ظاهر شوند، بی‌نصیب نمی‌مانند^۱ و همین موضوع دلیلی می‌شود که نسخه تعزیه عاشورای سروده انجم به فراموشی سپرده نشود.^۲ بر اساس اظهارات شیخ مهدی انجمی که می‌گفت نوه انجم است و نسخ دست‌نویس مربوط به انجم را در اختیار داشت، مزار وی در

۱. البته یکی از زیبایی‌های تعزیه در این است که در هنگام اجرای آن، نظامی با عنوان نظام طبقاتی وجود ندارد و همه به عنوان عزادار امام حسین مشغول به فعالیت هستند. آنچه موجب تمایز بین شبیه‌خوانان می‌شود، اصلی و یا فرعی بودن نقشی است که به آن‌ها واگذار شده است. در تعزیه‌هایی که در روستاها برگزار می‌شود و اجراکنندگان آن را اهالی همان روستا تشکیل می‌دهند و برخی از این افراد، روستای خود را ترک کرده و در شهرها ساکن شده‌اند اما در روز عاشورا برای اجرای تعزیه در روستای خود حاضر می‌شوند، شاید کسی که در هیئت امام ظاهر شده و نقش اصلی را عهده‌دار است یک روستایی ساده‌ای باشد، اما اجراکننده یک نقش کوتاه که در مقابل امام‌خوان زانو به زمین زده است و دست او را می‌بوسد یک پزشک جراح متخصص باشد.

۲. در برخی از روستاها خود شاهد بوده‌ام افرادی که به هیچ عنوان در کسوت تعزیه ظاهر نمی‌شوند و در زمره شبیه‌خوانان نمی‌توان به حسابشان آورد، در روز عاشورا در روستای محل زندگی خود در نقش یکی از شهدای کربلا ظاهر می‌شوند و اتفاقاً نقشی که به آن‌ها واگذار شده را خیلی خوب اجرا می‌کنند.

روستای قدمگاه شازند شناسایی و در سال ۱۳۹۰ به همت اداره ارشاد استان بازسازی شد.



تصویر ۱. مزار انجم در روستای قدمگاه اطراف شازند

این مزار به پیشنهاد پژوهشگر و دستور دکتر مشایخی مدیر کل وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مرکزی در سال ۱۳۹۰ بازسازی شد. طراحی و ساخت این مزار توسط استاد مظاهر آذری صورت گرفت.

این نکته قابل ذکر است که در این سالها به غلط واژه میر را در پیشوند نام انجم افزوده‌اند و از او با عنوان «میر انجم» یاد می‌کنند، در صورتی که «انجم» هیچ سمت و شغل و پیشه‌ای در دربار قاجار نداشت. قاجاریان در دربار خود بر اساس سمت و منصبی که به هر شخص می‌دادند، پیشوند میر را نیز اضافه می‌کردند؛ مانند میر آخور (مسئول نگهداری اسبها)، میر غضب (جلاد دربار قاجار)، میر عزا (مدیر برگزاری برنامه‌های عزاداری) و غیره. بنابراین واژه میر انجم با هیچ عنوانی انطباق ندارد، حتی در نسخ منسوب به او نیز تخلص شاعر با واژه «انجم» به کار رفته و در هیچ نسخه‌ای و شعری واژه میر انجم به چشم نمی‌خورد. شبیه‌خوانان و پژوهشگران در اقدامی نادرست به تبعیت از «میر عزا» که مدیر برگزاری برنامه‌های عزاداری در دربار قاجار و تکیه دولت بود، لفظ «میر» را هم به عنوان پیشوند انجم به کار برده‌اند و این موضوع در این چند سال اخیر مرسوم شده است که کاملاً بی‌اساس و غلط است. انجم در لغتنامه دهخدا به معنای خرد و عقل ترجمه شده و هیچ ارتباطی با «انجم» و «ستاره» ندارد (پادشاه انجم سپاه، پادشاهی که عقل و خرد سپاه اوست) در برخی اشعار تعزیه کلمه انجم به چشم می‌خورد که با معانی مختلفی همچون خرد و عقل، ستاره و

تخلص تعزیه‌نویس ممکن است برگردد:

ای شهنشاه! ملک رفعت و انجم خدم و ماه جبینی / شب است و بسته انجم راه را بر راه یکدیگر
/ اگر باشید ای لشگر، شما از انجم افزون تر / نظم انجم نکند رنجه دل مستمعان / که از چشم انجم
بریزد شراره و غیره.

در بسیاری از اشعار شاعران گذشته ایران و نیز شاعران دوره قاجار به خصوص اقبال لاهوری که در آن دوران زندگی می‌کرد، واژه انجم به چشم می‌خورد مانند: سرود انجم، زمزمه انجم و ابیاتی همچون: شنیدم کوکبی با کوکبی گفت / که در بحریم و پیدا ساحلی نیست / سفر اندر سرشت ما نهادند / ولی این کاروان را منزلی نیست / اگر انجم همانستی که بود است / ازین دیرینه تابی‌ها چه سود است. دور از ذهن نیست که در منطقه سربند شاعری همچون انجم ظهور کرده باشد. چون این منطقه دارای بیش از ۳۶۰ روستا است و در تمامی آن‌ها اجرای تعزیه توسط گروه‌های تعزیه بومی مرسوم است و از طرفی منطقه سربند از نظر جغرافیایی بین شهرهایی همچون اراک، شازند، الیگودرز، تویسرکان، ملایر، نهاوند و غیره قرار گرفته که در تمامی این شهرها برنامه تعزیه‌خوانی رواج دارد. همان‌گونه که تأثیر این شهرها را در لهجه اهالی منطقه سربند می‌توان مشاهده نمود، به مراتب رسم و رسوماتی همچون تعزیه نیز در آنجا باید مرسوم باشد. ضمن اینکه این منطقه دارای ساختار ارباب-رعیتی بود و خوانین و ارباب‌ها در اجرا و برگزاری تعزیه در این منطقه همت خاصی داشتند و این موضوع می‌تواند بیانگر این باشد که با حمایت ارباب‌ها و خوانین، اشخاصی به سرایش مجالس تعزیه اقدام کرده باشند. با همه فعالیت زیادی که سربندی‌ها در تعزیه داشتند، هیچ‌کسی از این منطقه به دربار قاجاریان راه پیدا نکرد و نامی از اهالی این منطقه در دربار دیده نمی‌شود؛ در حالی که بیشتر میرزاهای دربار را تفرشی‌ها و آشتیانی‌ها و فراهانی‌ها تشکیل می‌دادند. علت این موضوع شاید در این باشد که سربندی‌ها آنچنان که باید و شاید مانند تفرشی‌ها و فراهانی‌ها اهل نوشتن نبودند و افتخارات خویش را مکتوب نمی‌کردند. این موضوع را بسیاری از اهالی این منطقه نیز تأیید کرده‌اند. در حالی که مردم این دیار اهل نوشتن نبودند و افتخارات خود را مکتوب نمی‌کردند، چگونه تعزیه‌نویس و شاعر تعزیه‌ای به نام انجم از این منطقه سر بلند می‌کند؟ معمایی است که پاسخی برای آن نیافتیم. سابقاً در این منطقه که نظام ارباب رعیتی رایج بود و خوانین بر مردم حکومت می‌کردند، بخشی از حیاط ارباب‌ها و قلعه اربابی را به حسینیه تبدیل می‌کردند و عزاداری‌ها در منازل ارباب و خوانین برگزار می‌شد. برخی از این حسینیه‌ها (حیاط ارباب‌ها) امروزه نیز به عنوان حسینیه پا برجا هستند. در روستاهایی

همچون چنارستان، مال‌میر، قایدان، لوزدر و غیره، تکایا و حسینیه‌های با قدمت مربوط به عهد قاجاریان به چشم می‌خورد. در هندودر در سال‌های اخیر، حسینیه‌ای احداث شده که کاملاً الکترونیکی است؛ به نحوی که سن تعزیه هنگام اجرا به صورت الکترونیکی یک متر بالاتر از کف زمین قرار می‌گیرد و پس از تعزیه هم سطح زمین می‌شود. همچنین محل جلوس تماشاچیان نیز به صورت مکانیکی جابجا می‌شود و هر لحظه می‌توان در این فضا، تغییر کاربری ایجاد کرد. از تعزیه‌خوانان پیش از انقلاب منطقه سربند نیز نام‌هایی شنیده می‌شود و برخی از آن‌ها به صورت دوره‌گردی به کار تعزیه مشغول بودند. حاج غلامعباس سفید بخت (ملاغلامعباس)، ملا ولی‌الله مولایی، ملا شکراله مرواریدی، سید فاضل مدآبادی، ملا قاسم باغ‌برآفتابی، ملاحسن جلایری، ملاغلام‌رضا مال‌میری و غیره از تعزیه‌خوانان برجسته بخش سربند بودند. برخی از افراد مذکور با اینکه ساکن روستا بودند اما تعزیه‌خوانی به صورت دوره‌گردی تبدیل به حرفه اصلی آن‌ها شده بود و به کشاورزی و دام‌پروری نمی‌پرداختند. حاج عبدالواحد حاجیان^۱، رجبعلی جیریایی، حاج محمد حمصی، ابوطالب فتحی، محمد نگارنده، رضا مقیمی، کربلایی یادگار، دخیل دلجانی، مشهدی غلام‌علی جهان‌شاهی، علی اصغر ناطقی، علی اکبر جریانی، عباس عرب، جواد قناتی (جواد شوfer)، احمدعلی گودرزی^۲، اکبر مرادی و غیره از شبیه‌خوانان اراک در پیش از انقلاب بودند. پس از پیروزی انقلاب، شبیه‌خوانان دیگری از روستاها به اراک مهاجرت کردند و امروزه نیز در این حرفه مشغول به فعالیت هستند.



تصویر ۲. جواد قناتی معروف به جواد شوfer (تعزیه‌خوان)

۱. نخستین بانی تعزیه سیار بازار اراک
 ۲. به اتفاق برادران خود یک گروه تعزیه تشکیل داده بودند و همه تعزیه‌خوانان از امام‌خوان و کودک‌خوان برادر بودند.

با پیروزی انقلاب، تعزیه در تمام شهرهای استان مرکزی رایج شد و تعزیه سیار اراک در دهه اول محرم برگزار گردید. آوازه استقبال و علاقه مردم اراک به تعزیه به فراتر از مرزهای استان رسید و تعزیه‌خوانان تهران و قزوین نیز به این منطقه وارد و اتفاقاً با اقبال مناسبی هم روبرو شدند. در شهر اراک نه تنها در گذشته تکیه‌ای وجود نداشت بلکه در دوره فعلی نیز یک تکیه و فضای اختصاصی اجرای تعزیه وجود ندارد و تعزیه‌ها در خیابان‌ها، کوچه‌ها و مساجد و همچنین احداث تکایای موقتی از طریق داربست به انجام می‌رسد. در برخی از روستاهای اطراف اراک و سطح استان، تکایایی توسط اهالی روستاها احداث شده است. در ماه‌های عزاداری مراسم تعزیه -که بانیان آن‌ها خود مردم هستند- با حضور تعزیه‌خوانان استان و حتی تعزیه‌خوانان استان‌های هم‌جوار برگزار می‌شود. بانیان تعزیه -که برخی از آن‌ها در روستاها ساکن هستند- برای حل مشکلات خود نذر می‌کنند که در صورت برآورده شدن حاجت خود برنامه تعزیه‌خوانی را برگزار کنند و از این طریق تعزیه به‌عنوان یک عمل مستحبی دینی وارد زندگی مردم شد. اواخر دهه ۶۰، استقبال بی‌نظیری از سوی مردم نسبت به تعزیه‌ها شکل گرفت. در آن زمان ماه‌های محرم و صفر در فصل تابستان بود و سرگرمی مناسبی هم وجود نداشت و حتی تلویزیون هم چندان پاسخگوی نیازهای مردم نبود و این دلیل خاصی بود برای گرایش مردم به طرف تعزیه. اجرای تعزیه در کوچه و خیابان‌ها به حدی گسترش یافته بود که در خیابانی که طول آن کمتر از ۱ کیلومتر بود، چندین مجلس تعزیه با فاصله چند متری از یکدیگر برگزار می‌شد و مردم هم هجوم می‌آوردند. گاهی اوقات صداهای سیستم‌های صوتی اسباب مزاحمت برای ساکنان محله‌ها می‌شد؛ تا حدی که نیروهای امنیتی نیز حضور پیدا می‌کردند و خواستار قطع و یا تعدیل صدای سیستم‌های صوتی می‌شدند. در بسیاری از موارد با خاموشی برق نیز مواجه می‌شدند ولی تعزیه‌ها اجرا می‌شد. برخی از این تعزیه‌ها با حاشیه‌های جالبی نیز همراه بود. رقابت بین بانیان و تعزیه‌خوانان خودبه‌خود مزاحمت‌هایی را برای یکدیگر ایجاد می‌کرد؛ مانند رها کردن گربه در وسط میدان تعزیه که به دلیل ازدحام جمعیت، ۴ طرف یک خیابان و یا کوچه توسط جمعیت محصور می‌شد و میدان تعزیه در وسط قرار می‌گرفت. ناگهان گربه‌ای به میدان تعزیه راه پیدا می‌کرد و یا توسط کسانی رها می‌شد و چون راه فرار نداشت، به این طرف و آن طرف می‌دوید و آوازه‌خوانی می‌کرد که موجب ترس و اعتراض تماشاچیان و تعزیه‌خوانان و خنده جوانان می‌شد به همین دلیل برای دقایقی نظم تعزیه به هم می‌خورد یا قطع کردن برق تعزیه‌ها، رفتن به پاسگاه‌ها جهت احضار پلیس برای جمع کردن تعزیه‌ها، رها شدن شمشیر و گرز از دست تعزیه‌خوانان و سقوط آن‌ها میان جمعیت،

بضاعت سخت‌افزاری بسیار اندک تعزیه‌خوانان، زمین خوردن تعزیه‌خوانان در حین اجرای تعزیه که با خنده و استهزای مخاطبان چند صد نفری و یا چند هزار نفری مواجه بود. پیش آمده که تعزیه‌خوانی در حین اجرای نقش خود، در تشت آبی که به منزله رود فرات در گوشه مجلس قرار داده شده سقوط کرده است! یا گم کردن نسخه تعزیه‌خوان که در حین اجرای تعزیه، نسخه‌ای که اشعار را از باید روی آن بخواند، گم می‌کردند یا غلط خواندن اشعار تعزیه توسط تعزیه‌خوانان؛ چون بیشتر آن‌ها بی‌سواد و یا از سواد اندکی برخوردار بودند. برخی از آن‌ها حتی شعر تعزیه‌ای که می‌خواندند را هم نمی‌فهمیدند.

البته در سال‌های اخیر، بنیان تعزیه در اراک بسیار کم شده‌اند. پس از انقلاب به خصوص در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ گروه‌های مختلف تعزیه به شکل منسجم‌تری تشکیل شد و در طول دو ماه محرم و صفر هر شب برنامه تعزیه‌خوانی به همت مردم در کوچه‌ها، خیابان‌ها و برخی دیگر در حیاط‌ها و زیرزمین‌های منازل برگزار می‌شد. یکی از گروه‌های برجسته شهر اراک، گروهی بود به سرپرستی کریم ابراهیمی معروف به حاج کریم که با حضور ورزیده‌ترین تعزیه‌خوانان اراک شکل گرفته بود. در بین گروه‌های تعزیه اراک پس از انقلاب، این گروه تنها گروهی بود که علاوه بر حضور شبیه‌خوانان ورزیده از امکانات و تجهیزات مناسبی نیز از قبیل لباس، سیستم صوتی، محل اجرا، گروه موزیک و غیره برخوردار بود. حاج کریم در خیابان ادب‌جوی اراک با خرید یک باب منزل و تخریب آن، فضای مسکونی را به حسینیه تبدیل نموده بود و عصر جمعه هر هفته برنامه تعزیه‌خوانی را در این حسینیه برگزار می‌کرد. ازدحام جمعیت واقعاً غیر قابل توصیف بود. آوازه این گروه منجر به این شد که برای اجرای تعزیه در دهه اول محرم چند سالی به شهر خوانسار رفتند. حسن مجللی، علی صالحی (علی‌اکبر خوان ورزیده دهه ۶۰ اراک)، اکبر فراهانی، قاسم موچانی، عباس رحمتی (عباس کفاش)، محمود موچانی، شیخ علی محمدی، محمد زمانی، اصغر حران‌اف، علی پورمحمدیان (علی دمنه)، عباس صالحی و پژوهشگر از شبیه‌خوانان این گروه بودند. پس از انقلاب به جز اجرای تعزیه، فعالیت‌های جانبی تعزیه‌خوانی نیز در اراک شکل گرفت؛ به گونه‌ای که مغازه‌هایی با عنوان اجاره اکو و فیلم‌برداری از مجالس، سیستم‌های صوتی و تصویری تعزیه‌ها را تأمین می‌کردند. ابراهیم هاشمی از نخستین کسانی بود که با راه‌اندازی یک مغازه، به فروش ابزار، ملزومات و نسخ تعزیه و همچنین نوارهای کاست تعزیه‌خوانی اقدام نمود. این مغازه همچنان با گسترش بیشتر توسط فرزندان وی اداره می‌شود. افرادی همچون حسین ملک‌حسینی، عیسی جعفری، رضا قهیه‌ای، رجب صالحی، محمد ایبک‌آبادی و درویش‌علی

عبدی در منازل شخصی خود، بعضاً به اتفاق خانواده‌هایشان به بافتن زره اقدام می‌کردند و زره و کلاهخود تعزیه‌خوانان را تأمین می‌کردند. همچنین غلام میقانی یکی دیگر از افرادی بود که در زیر زمین منزل خود به دوخت و فروش لباس‌های تعزیه اهتمام می‌ورزید. تعزیه‌خوانان اراک تا پیش از انقلاب و حتی سال‌های آغازین انقلاب اسلامی در تعزیه‌هایشان ترومپت و سازهای بادی به کار نمی‌بردند و تنها سازی که در تعزیه‌ها کاربرد داشت، ساز بادی طبل بود که هم لحظات جنگ و هم فضاهای خالی بین صحنه‌های نمایش تعزیه با این ساز پر می‌شد. در تعزیه‌های سیار بازار اراک از سازهایی همچون سرنا و نقاره استفاده می‌شد اما در تعزیه ثابت این سازها کاربردی نداشت.^۱ نخستین کسی که ترومپت را در تعزیه اراک به کار برد، پیرمردی بود به نام «علی اکبر جریانی» که او ترومپتی بدون پیستون و کلید را به دست گرفت و در تعزیه‌ها به نواختن پرداخت. در حالی که در نواختن این ساز از ابتدایی‌ترین تبجر هم برخوردار نبود و تنها آهنگ یوسف گلگون قبا را توانسته بود بنوازد.^۲ برای جناب جریانی تفاوتی نمی‌کرد که تعزیه مربوط به چه شخصیت عاشورایی است و چه شخصیتی قرار است در چه آوازی شعرش را بخواند و یا اینکه قرار است شمر رجزخوانی کند یا حضرت ابوالفضل (ع) و غیره. او فقط این آهنگ را می‌نواخت. در گروه حاج کریم که به واسطه شغل اصلی او که مالکیت کوره آجرپزی بود و به کریم کوره‌ای هم معروف بود، علاوه بر طبل و دهل از شیپور نیز به طور تخصصی استفاده می‌شد و نوازنده آن هم عباس صالحی از نوازندگان چیره‌دست فعلی ترومپت کشور بود. به جز هیئت حاج کریم گروه‌های متعدد دیگری در سرتاسر اراک و به خصوص مناطق حاشیه‌ای شهر به اجرای تعزیه می‌پرداختند. برخی تعزیه‌خوان‌ها هم در زیرزمین منازل خود هر شب بساط تعزیه‌خوانی را به راه می‌انداختند که این مجالس بدون اکو و شیپور اجرا می‌شد و بسیار عزاداری خالصانه‌ای برای امام حسین (ع) تلقی می‌شد. ابوالحسن کزازی، آقاسن مشهدی، حاج عزیزالله متولی، عباس عرب، رضا شمس،

۱. با حضور تعزیه‌خوانان قزوین که در تعزیه‌هایشان ترومپت به کار می‌بردند، علاقمندان به نواختن این ساز افزایش پیدا کرد و برخی تعزیه‌خوانان فرزندان‌شان را به آموختن این ساز تشویق کردند و بیشتر هم زیر نظر محمد بخشی‌نیا نوازنده ترومپت قزوین این هنر را فرا گرفتند. عباس مختاری، حاجعلی قهپه‌های، سیدمحمد جنید، رضا گودرزی، فرامرز زمانی، قاسم برزآبادی، رحیم پوریافر (راهزانی)، علیرضا یساولی، غلامرضا بورقانی، احمد محمدی و... نسل اول نوازندگان ترومپت و سازهای تشریفاتی تعزیه را تشکیل می‌دهند که برخی از آن‌ها در دوران خدمت سربازی با عضویت در گروه موزیک در پادگان‌ها نواختن ترومپت را فرا گرفتند.

۲. یوسف گلگون قبا شعری است مربوط امام حسین (ع) در گوشه‌ای از آواز دشتی که امام در جستجوی پیکر حضرت علی اکبر این شعر را می‌خواند. (یوسف گلگون قبا آه علی اکبرم/گمشده در کربلا آه علی اکبرم) که جناب جریانی فقط در نواختن این آهنگ مهارت داشت.

حسن نظام آبادی و غیره از جمله افرادی بودند که زیرزمین منازلشان را تبدیل به حسینیه کوچکی نمودند و شب‌های متوالی برنامه تعزیه را به راه می‌انداختند. تعزیه‌خوانان قزوین نیز در سال‌های ابتدایی پس از انقلاب به اراک آمدند و در زیر زمین منازل از جمله منزل عیسی جعفری اقدام به تعزیه‌خوانی نمودند. صفرعلی شمشیری نیز یکی دیگر از سرگروه‌ها بود که در دهه ۷۰ در منزل خود مجالس تعزیه را به راه انداخت که البته در ماه‌های غیر محرم و صفر و به صورت انجمنی، شبیه‌خوانان گرد یکدیگر جمع شده و بدون پوشیدن لباس و کاربری ابزار صحنه، مجالس تعزیه را اجرا می‌کردند. گاه‌گاهی هم از طبل استفاده می‌شد. گروه شمشیری را بیشتر، ترک‌ها تشکیل می‌دادند اما تقریباً همه شبیه‌خوانان در این جلسات انجمنی حاضر می‌شدند در برخی مواقع، به صورت چرخشی هر هفته در شب‌های خاصی در منزل یک نفر برنامه تعزیه‌خوانی انجمنی برگزار می‌شد که به جز تعزیه، برنامه‌هایی همچون مداحی و مولودی‌خوانی نیز در این نشست‌های خانگی دایر بود.^۱ علاوه بر این اشخاص کسان دیگری از عامه مردم اراک بودند که بانیان و برگزارکنندگان تعزیه بودند و بساط تعزیه‌خوانی را در جلوی منازل خویش برگزار می‌کردند. مراسم تعزیه‌خوانی که بانیان آن خود مردم هستند فقط با خواندن و اجرای تعزیه خلاصه نمی‌شود بلکه بعد و یا قبل از اجرای تعزیه صدها نفر میهمان شام و یا نهار این بانیان هستند.



تصویر ۳. تعزیه‌خوان اراکی در حال اجرای تعزیه در عراق (منبع: حسن مجللی)

۱. فرخ زند کریمی، عبدالله مسیب‌نژاد، علی گنجی، حسن مجللی، حسین محمدی، حسین میقانی، منصور روشنی، عبدالله راستگردانی، صفرعلی شریفی، سیدمصطفی میرکمالی، اسماعیل کمال‌آبادی، محمدرضا طاهری، حجت نعمتی، محمد ایک‌آبادی و غیره از جمله افرادی بودند که در این جلسات حاضر می‌شدند.

در استان مرکزی به جز شهرها، تقریباً تمامی روستاها نیز گروه‌های تعزیه محلی متشکل از اهالی همان روستا را دارند و در ایام محرم، مراسم تعزیه را برگزار می‌کنند. زمزمه اشعار تعزیه را از بیشتر مردم این استان می‌توان شنید. در فراهان دیده‌ایم که زنان روستایی در هنگام قالبیافی و فعالیت‌های روزمره‌شان و مردان در هنگام آبیاری و فعالیت‌های کشاورزی اشعار تعزیه را زمزمه می‌کنند. نگارنده در روستاهای اطراف فراهان نسخه‌ها و ابزار آلات تعزیه‌خوانی مربوط به سده گذشته را (زرهایی ساخته شده از میخ‌های کوچک، سپرهایی از جنس پوست کرگدن و همچنین گرزهایی که با مهارت خاص ساخته شده‌اند و غیره) مشاهده کرده است.

در کتاب *راحة الصدور آمده است:*

خسرو هست جای باطنیان / قم و کاشان و آبه و طبرش / آبروی چهار یار بدار / اندرین چار جای زن آتش / پس فراهان بسوز و مصلح گاه / تا چهارت ثواب گردد شش (راوندی، ۱۳۸۵: ۸۵).

طبق اشعار فوق، می‌توان اذعان نمود شهرهایی که ذکرشان رفته از کانون‌های تشیع بوده‌اند؛ بنابراین استقبال از تعزیه در این مناطق دور از انتظار نیست.

منطقه فراهان دارای بیش از ۱۲۰ روستا و آبادی است که کلیه این روستاها از قدیم دارای گروه‌های تعزیه متشکل از اهالی روستا بودند. در دوران پهلوی اول که تعزیه‌خوانی ممنوع بود، روستایی‌ها خود را از این قاعده مستثنی نمودند و مأموران حکومتی نیز با توجه به اینکه سرگرم امورات شهری بودند و وقتشان در شهرها می‌گذشت، دسترسی چندانی به آبادی‌ها نداشتند و تعزیه‌خوانی در روستاها تعطیل نشد. تعزیه در روستاهای فراهان توسط ملاهای مکتبدار مدیریت می‌شد. این افراد، معمم و روحانی نبودند اما در بین مردم به ملا معروف بودند که غیر از تعزیه به مواردی همچون جاری نمودن صیغه عقد، تلقین اموات، باز کردن کتاب و غیره نیز اقدام می‌کردند. ملا محمود بقایی، ملا محمد میقانی، ملا ولی‌الله کمال‌آبادی، ملا عباسقلی مصلح‌آبادی، ملا علی‌آقا ویسمه‌ای، ملا عبدالرضا مشکانی، کدخدا علی‌آقا تبرته‌ای، ملا قدرت‌الله اکبری (ویسمه‌ای) و غیره از جمله ملاهایی بودند که در روستاهای فراهان به اجرا و آموزش تعزیه می‌پرداختند. بیشتر این ملاها قبل از انقلاب، رخ در نقاب خاک کشیدند. برخی از آن‌ها از جمله ملا قدرت‌الله ویسمه‌ای تا چند سال پیش هم زنده بود و در اواخر دهه ۸۰ با بیش از صد سال سن درگذشت.

در خطه فراهان در شهر فرمهین تکیه اختصاصی اجرای تعزیه بازمانده از دوران قاجار وجود دارد که در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است. در ساخت این تکیه از مصالح آجر، ملات و گل و آهک استفاده شده و دارای یک صحن باز به منظور برگزاری تعزیه و یک بنای دو طبقه

است. این تکیه هم‌اکنون تبدیل به موزه شده و برنامه تعزیه‌خوانی در آن اجرا نمی‌شود. همچنین در شهر کوچک ساروق در این سال‌ها حسینیه و فضای اختصاصی اجرای تعزیه احداث شده است که در دهه اول محرم برنامه تعزیه‌خوانی توسط تعزیه‌خوانان محلی ساروق اجرا می‌شود و در برخی ایام با دعوت از تعزیه‌خوانان حرفه‌ای، این شهر پذیرای چندین هزار تماشاچی تعزیه است. در روستای مشهدالکوبه از توابع فراهان چندین کارگاه زره‌بافی وجود دارد و ده‌ها نفر از اهالی این روستا در بافتن زره‌ها اهتمام می‌ورزند.

نگارنده در بررسی‌های نسخه‌های قدیمی خطه فراهان با یک نسخه جالب توجه مواجه شد. این نسخه زبان حال یک جوانی است که می‌خواهد به اجباری (خدمت سربازی) برود و با مادر و همسر خود خداحافظی می‌کند. گفتگویی که بین این جوان با مادر رد و بدل می‌شود، تعزیه‌گونه است و در خلال اشعار نام برخی از روستاهای فراهان نیز دیده می‌شود. با توجه به اینکه اجباری رفتن از زمان پهلوی رایج شد و تا سال‌ها مردم و به خصوص روستاییان از رفتن به اجباری تعلل می‌کردند، قدمت زیادی برای این اشعار نمی‌توان در نظر گرفت اما اینکه تعزیه به حدی در مردم نفوذ کرده بود که روستاییان در امر اجباری محاورات تعزیه‌گونه سروده‌اند قابل تأمل است:

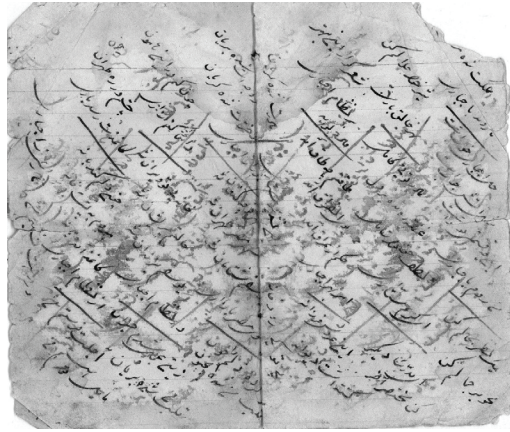
پسر: چونکه حضرت سالار / کرد او به من تکرار / این سجله را بردار / می‌روم به اجباری
 مادر: طاقم چو طاق آمد / بوی الفراق آمد / حکم از عراق آمد / امر بهر اجباری
 پسر: مادرا شدی مضطر / بر عروس خود بنگر / ریزد اشک چون گوهر / می‌روم به اجباری
 مادر: این عروس فرزانه / گشته است دیوانه / بی تو کی رود خانه / این نشد پرستاری
 پسر: خانه‌ها شود ویران / طفل‌ها شود گریان / زوجها شود ویلان / از نتیجه اجباری
 مادر: خانه بی تو ویران شد / حالتم پریشان شد / یوسفم به زندان شد / در نظام اجباری
 پسر: زحمتم کشیدی تو / راحتم ندیدی تو / حکم شه فرستی تو / بر نظام اجباری
 مادر: کرده‌ای دل مرا خون / قلب من شده مجنون / چون کنم در این هامون / دائماً کنم زاری
 پسر: سوی گازران بنگر / آه و ناله را مادر / از حسین آباد یکسر / رفته‌اند به اجباری
 مادر: زین عمل شدم حیران / قلب من شده بریان / چشم در ره طهران / کاغذت رسد باری
 پسر: کن نگه به خلت آباد / رفته از جلال آباد / داد از علی آباد / رفته‌اند به اجباری
 مادر: شهر ما چو کنعان شد / شهر مصر طهران شد / یوسفم شتابان شد / سوی مصر بازاری
 پسر: تو نگه به وروا نکن / کم نشین افغان کن / حال من پریشان کن / مادرا مکن زاری
 مادر: این حکایت اجبار / غصه‌اش بود بسیار / تا به کی کنم اظهار / من ز حال اجباری

پسر: مادرا تو از رحمت / کن حلال این زحمت / می‌روم کنم خدمت / بر وطن من از یاری (نسخه دستنویس).

شهر تفرش نیز یکی دیگر از شهرهای استان مرکزی است که تعزیه در آن از اعتبار و استقبال بسیار زیادی برخوردار است. وجود تکایای متعدد در این شهر از قبیل تکیه زاغرم، میان ده، خلچان، ششناو و همچنین تکایای دیگری در روستاهای اطراف شهر، گواه این مدعاست. در حال حاضر تعزیه در تفرش جزئی از زندگی مردم است. شهرستان تفرش از دوره قاجار یکی از مراکز مهم اجرای تعزیه در کشور بوده که می‌توان این شهرستان را یکی از قطب‌های مهم تعزیه و خاستگاه هنرمندان صاحب‌نام شبیه‌خوان به شمار آورد. شاید دلیل اینکه تعزیه در این شهر از همان دوران قاجار شکل گرفت و تکایایی در همان دوران در تفرش ساخته شد، ارتباط نزدیک خوانین و ملاکان تفرش با دربار قاجار بوده باشد. حتی تعدادی از تعزیه‌خوانان تکیه دولت در عهد ناصری و مظفری، از اهالی تفرش بودند؛ افرادی همچون احمد تفرشی، سیدیوسف تفرشی، میرزا حبیب تفرشی، میرزا بابا (شاکر تفرشی) که به جز نامشان اطلاعات دیگری به دستمان نرسید و حسین‌علی‌خان مصفا تفرشی معروف به نکیسا. طبق سفرنامه پولاک، در دوره قاجار بیشتر منشیان و نویسندگان رده‌های مختلف دفتر و دیوان در دستگاه‌های دولتی از اهالی تفرش، آشتیان و فراهان بودند و با عنوان «میرزا» در دربار شناخته می‌شدند. پولاک در سفرنامه ایران و ایرانیان نوشته است: «میرزاها و منشی‌های مشهور از ناحیه تفرش به پایتخت می‌آیند و بدین دلیل اغلب صاحب منصبان عالی‌مقام، مستوفیان و غیره اهل آن دیار هستند» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۴۰).

حضور میرزاها در دربار قاجاری منجر شد که تعزیه را از تهران به تفرش ارمغان بیاورند. سیدکاظم مستوفی یکی از این میرزاها بود که تکیه زاغرم را در این شهر احداث کرد. تکیه زاغرم اصلی‌ترین و مشهورترین تکیه به جای مانده از دوران قاجاریان در تفرش است. با توجه به کتیبه سنگی که بر سر در تکیه نصب شده، این بنا در سال ۱۲۷۴ هـ.ق برابر با ۱۲۳۶ و دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار ساخته شده است. این بنا زمانی در شهر تفرش ساخته شد که ساخت تکیه دولت در تهران از ۱۲۸۵ هـ.ق تا حدود ۱۲۹۰ هـ.ق به طول انجامید؛ یعنی این تکیه ۱۱ سال زودتر از تکیه دولت احداث شده است.^۱

۱. متن کتیبه سنگی تکیه زاغرم فم تفرش احداث شده توسط سید کاظم مستوفی که تصویر دو شیر حجاری شده را در طرفین خود دارد:
سنه ۱۲۷۴ هـ.ق بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین



تصویر ۴. نسخهٔ محاورهٔ تعزیه‌گونه جوان با مادر خود هنگام رفتن به خدمت اجباری

تکیه زاغرم دارای سقف چوبی است و پوشش چوبی بنای این تکیه سال ۱۳۷۸ به شمارهٔ ۲۲۸۱ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. این بنا با سنگ، خشت، کاه‌گل و تیرهای چوبی در دو طبقه به شکل مستطیل در دو طبقه بنا شده و از نظر معماری قابل توجه است. در هر یک

به عهد ناصرالدین شاه غازی ظل یزدانی / کمر بر بست سیدکاظم از توفیق ربانی / به تفرش ساخت رشک آشکوی جنت المأوی / چو ایوان فلک قصری برای تعزیت خوانی / تعالی الله از این عالی‌بنا کز خالق یکتا / به صد منت خطاب آمد به جبریلش به دربانی / به معماری قدرت ریخت بنیانش چنان محکم / که باقی ماند این عالی‌بنا در عالم فانی / به نام ایزد این ماتم‌سرا کز عجز پست آمد / به پیش رفعتش نه آشکوی کاخ حیوانی / ز خاک و باد و آب و آتشش هر یک پدید آمد / دم عیسی و مشک ناب و نور و آب حیوانی / در این منظر چه پیغمبر عزادار است جا دارد / به خاکش از تفاخر گر نهد افلاک پیشانی / شد از اخلاص خود بانی نگهبان عزای او / کند خاتون محشر در دو کون او را نگهبانی / به یمن همت خود آن حسینی این حسینی / به تفرش زیب و زینت داد ارکان مسلمانی / در این روز از برای شیعیان شاه مظلومان / کند مال و عیان و جان ز شور عشق قربانی / چه شد اتمام این ماتم‌سرا از بهر تاریخش / خیالات سرور آمد به آن عالم که می‌دانی / حجاب افکند زهرا از رخ تاریخ و از احسان / جزاک الله می‌گوید به سید کاظم بانی

کتیبهٔ سنگی میرزا شریف تکیه زاغرم تفرش:

جهان جود و سخا بحر امتنان و عطا / سپهر مجد و علا میرزا شریف وحید / نه تالیش به جهان دیده دیدهٔ دوران / نه ثانیش ز ازل گوش روزگار شنید / به دستیاری توفیق و پایمردی سعی / به رهنمونی اقبال سعد و بخت سعید / بنا نهاد حسینی‌ای چو خلد برین / برای تعزیهٔ جد خود حسین شهید / تبارک الله از این دلنشین مقام رفیع / که هست قبلهٔ حاجات و کعبهٔ امید / اگر به چشم بصیرت کسی در آن نگرد / وقایعی که شنیدست می‌تواند دید / ستاده شیر خدا هادی طریق هدی / فراخته علم حمد بر سیاه و سفید / نشست فاطمه با حور در عماری نور / به پای نخل و دهد خلق را به خلد نوید / دعای ذاکر کرسی نشین ایوانش / رسد چو العطش تشنگان به عرش مجید / یقین که بانی این امر خیر در دارین / گل مراد ز باغ امید خواهد چید / به صد مبالغه تاریخ این بنای شریف / ز پیر عقل چو ساقی بینوا پرسید / کشید صوت حسینی و با نوا برخواند / هزار لعنت حق بر یزید و آل یزید

از دو ضلع بزرگ آن در طبقه اول، شش طاق‌نما با طاق ضربی وجود دارد. در یک ضلع آن، یک طاق‌نمای بزرگ با سقفی به ارتفاع تمام بنا وجود دارد که در بین مردم با عنوان «شاه‌نشین» و «خان‌نشین» قلمداد می‌شود. شاه‌نشین محل نشست خانواده خان یا حاکم محل و نزدیکان و مهمانان او بوده است و تزئینات این طاق‌نما از قبیل سیاه‌پوش کردن، نصب پارچه‌های سبز و یا قالیچه، قراردادن شمعدانی‌ها، نصب تصاویر و غیره اصولاً از طرف بزرگان محله و طوایف انجام می‌شده است. هر چند که در بین مردم این طاق‌نما را خان‌نشین معرفی می‌کنند اما به اعتقاد نگارنده، طاق‌نمای بزرگ برای تکمیل سکوی نمایش به کار تعزیه اختصاص داشته است. به طوری که تعزیه مشترکاً روی سکو، مسیر دور و این طاق‌نما اجرا می‌شده است و بارگاه یزید را در این طاق‌نما می‌ساخته‌اند و اینکه عنوان شاه‌نشین را برای این طاق‌نما به کار می‌بردند به این دلیل بود که نقش‌های کرسی و شاه از قبیل یزید، ابن‌زبید، هارون و... در این طاق‌نما اجرا می‌شد. این طاق‌نما حتی اگر خان‌نشین و محلی برای نشست خانواده خان یا حاکم محل و نزدیکان و مهمانان او هم بوده باشد، ساختن بارگاه یزید و ابن‌زبید در کنار شخص خان در این طاق‌نما که به مراتب از تزئینات بیشتری هم برخوردار بود، چندان آسیبی هم به اجرای تعزیه وارد نمی‌کند. شاید هر طاق‌نما خود به خود به قشر خاصی اختصاص یافته بوده باشد و از این طریق جایگاه نشست اقشار مختلف مردم در تکیه به نوعی جایگاه اجتماعی اهالی آن شهر را هم بیان می‌کند. با توجه به اینکه شهر تفرش هم شهر کوچکی است و به خصوص در گذشته از جمعیت زیادی برخوردار نبوده به طور حتم این طاق‌نماها به اقشار مختلف مردم و یا افراد صاحب‌نام اختصاص داشت. در تکیه‌ها شکوه و زیبایی هر طاق‌نما به اعتبار صاحب آن بستگی داشت؛ زیرا معمولاً عامه مردم و به خصوص اقشار ضعیف در اطراف سکوی تعزیه در فاصله با حجره‌ها بر روی زمین می‌نشستند. در تکیه زاغرم در فاصله جلوس مردم بر روی زمین، مواردی همچون چاه، نهر فرات و غیره نیز تعبیه شده است که در تعزیه‌ها به کار می‌روند.

در روستاهای تفرش نیز مراسم تعزیه‌خوانی از رونق خاصی برخوردار است و در بیشتر این روستاها تکایا و فضاهای اختصاصی اجرای تعزیه وجود دارد و در برخی از این روستاها از تعزیه‌خوانان نامی کشور برای اجرای تعزیه دعوت می‌کنند که به روستاهایی همچون قم، بازرجان، مشهد بازرجان، کبوران و غیره می‌توان اشاره نمود. در تفرش، نسخه‌های تعزیه منسوب به زمینه تفرش نیز وجود دارد؛ در حالی که نام و نشانی از نویسنده نسخه‌های تفرش به دستمان نرسید اما با بررسی‌هایی که نگارنده از نسخ تعزیه تفرش داشت، شباهت بسیاری بین نسخه‌های تفرش و تکیه دولت دیده

می‌شود. این شباهت بین نسخه‌ها مربوط به این است که خوانین و ملاکان تفرشی که در دربار قاجار حضور داشتند، نسخه‌های تهران و تکیه دولت را به تفرش منتقل کردند و امروزه نیز در همانجا کاربرد دارند. رضا حیدری یکی از پیشکسوتان و تعزیه‌خوانان نامی تفرش است که تفرشی‌ها به او خیلی علاقمندند. او هم‌اکنون با گذشت حدود ۸۰ سال سن، همچنان تعزیه اجرا می‌کند.^۱

شهر خمین نیز یکی دیگر از شهرهای استان مرکزی است که تعزیه در شهر و روستاهای اطراف آن اجرا می‌شود. در این سه دهه اخیر، صدها مجلس تعزیه در خمین اجرا شده و استقبال مردم و صف‌ناپذیر بوده است. گروه‌های محلی متعددی نیز در این شهرستان و دهات توابع آن مشغول به فعالیت هستند. در خمین و روستاهای اطراف آن، تکیه‌ای با قدمت قاجاریان به چشم نمی‌خورد اما در این سال‌ها به همت مردم، حسینیه‌هایی در شهر خمین و روستاها احداث شده است. در یکی از روستاها به نام چقا سیف‌الدین، حسینیه بزرگی و تقریباً اختصاصی اجرای تعزیه ساخته شده که برای اجرای تعزیه از تعزیه‌خوانان برجسته شهرهای اراک، تهران، اصفهان، تفرش و قزوین دعوت می‌کنند و در چند روز متوالی برنامه تعزیه‌خوانی با استقبال کم نظیر مردم برگزار می‌شود. این حسینیه -که نگارنده نیز در آن به اجرای تعزیه پرداخته است- در سال‌های اخیر با الگوبرداری از حسینیه قودجان خوانسار در دو طبقه توسط اهالی روستا احداث شده و باعث شناخته شدن روستای چقا سیف‌الدین در استان و حتی کشور نیز شده است. در استان مرکزی در مناطقی مثل کمیجان، خنداب و بخش‌هایی از ساوه، تعزیه‌خوانی با زبان ترکی اجرا می‌شود. تعزیه‌خوانی در شهرهایی همچون ساوه، زرنديه، دلیجان، محلات و غیره نیز چیزی غیر از شبیه‌خوانی مرسوم در سایر مناطق استان نیست و در این شهرها و به خصوص روستاها تکایای اختصاصی تعزیه نیز به چشم می‌خورد؛ از جمله به تکیه آقاخان محلاتی در شهر محلات می‌توان اشاره کرد که به جای مانده از دوران قاجاریان است و در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده، دارای یک صحن و بنای دو طبقه است و در سه طرف صحن، ایوان و ایوانچه‌های این تکیه مکان‌هایی برای نشستن مردم تعبیه شده و در مرکز صحن سکویی برای برگزاری مراسم تعزیه پیش‌بینی شده است. ضمن اینکه رضا و میرزا محمد محلاتی دو تن از شبیه‌خوانان تکیه دولت، اهل محلات بودند. در دو دهه اخیر تکایا و حسینیه‌هایی در محلات و روستاهای اطراف آن از جمله شهر کوچک نیم‌ور احداث شده است.

۱. داوود آبابی، نقی بیاتی، مرتضی شاه‌حسینی، سیداکبر میرحسینی، سیدولی میرحسینی، نصرالله باباعلی، ابوالفضل صابری، پرویز آبابی و... از شبیه‌خوانان برجسته فعلی شهر تفرش هستند.

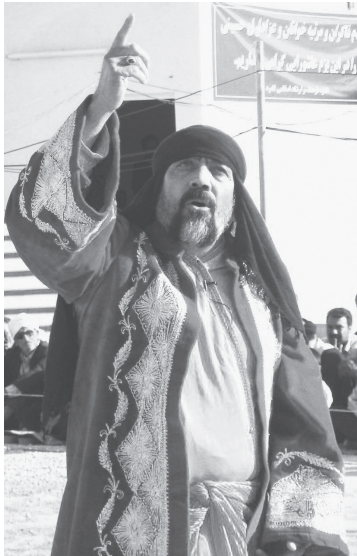
ساوه و زرنديه از ديگر مناطق استان مركزي هستند كه تعزیه‌خوانی در آنجا مرسوم است. نزديك بودن فاصله اين شهرها با تهران، در شكل‌گيري تعزیه در اين ديار مؤثر واقع شد؛ به گونه‌ای كه چند تن از تعزیه‌خوانان تكيه دولت، اهل ساوه بودند؛ از جمله آقاجان ساوه‌ای - كه استاد عبدالكريم جناب قزوینی بود- بلال صمغ‌آبادی، سيد احمدخان ساوه‌ای. آقاحسين تعزیه‌خوان نيز اهل زرنديه بود كه در تكيه دولت در نقش‌های زنانه ظاهر می‌شد و علاوه بر تعزیه در آواز نيز تبحر داشت و صفحات گرامافون از آوازخوانی وی در دسترس است. در يکی از روستاهای اطراف ساوه به نام «باغ‌شيخ» تكيه اختصاصی اجرای تعزیه به جای مانده از دوران قاجار به چشم می‌خورد كه در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. حجره‌های متعدد در چهار طرف، سكوی بیضوی شكلی فاقد سقف در میانه اين تكيه قرار دارد. صحن تكيه به عنوان يك میدان ارتباطی و ترددی به سه كوچه در سمت‌های غرب، شرق و جنوب متصل بوده و بدان طریق مردم از نقاط مختلف در آن رفت و آمد می‌کردند. در کنار اين تكيه، كاروانسرا، حمام و مسجد نيز دیده می‌شود. معین‌الشعراي قمي يکی از تعزیه‌سرایان معاصر است كه برخی از مجالس سروده‌ی وی در زرنديه و ساوه اجرا می‌شود. در ساوه و زرنديه، گروه‌های تعزیه محلی در روستاها شكل گرفته و مراسم تعزیه‌خوانی توسط شبیه‌خوانان بومی اجرا می‌شود و ارباب‌ها و خوانین از اصلی‌ترین حامیان تعزیه بوده‌اند. در اين منطقه به خصوص در ساوه، تعزیه‌های ترکی نيز اجرا می‌شود و نسخه‌های مختلط فارسی و ترکی در نسخ آن‌ها دیده می‌شود و به تعبیری اشعار ترکی را چاشنی شعر فارسی می‌کنند. در روستاهای اطراف پرنديک، زاویه و مأمونیه در حال حاضر نسخه‌های تهران و قزوین استفاده می‌شود و بخشی هم از نسخه‌های معین‌الشعرا را به كار می‌برند كه دخل و تصرفی در نسخه‌ها دیده نمی‌شود و حالت قدیمی خود را حفظ کرده‌اند. همچنین نسخی از نویسنده دیگری به نام سيداحمد موسوی دشتی (درگذشته سال ۱۳۷۶) در زرنديه وجود دارد. او از اهالی گیلان و اصالتاً اهل فومن بود. پدر وی از طرفداران ميرزا كوچك‌خان جنگلی بود كه در پرنديک و در روستای صدرآباد ساكن شد. نسخی همچون انقلاب زید و قیام توأین از سروده‌های وی در دسترس است. در اين سال‌ها در شهر زرنديه سوگواره‌های تعزیه با حضور گروه‌های شهرستان‌های ساوه و زرنديه برگزار می‌شود كه اين سوگواره‌ها تا حدودی در معرفی تعزیه‌های اين منطقه موفق بوده‌اند.

در شهرستان آشتیان، مراسم تعزیه در روستایی به نام گرکان به عنوان میراث معنوی در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است. در گرکان، حسینی‌های مخصوص برنامه تعزیه‌خوانی به جای مانده

از دوره قاجار وجود دارد. گفته می‌شود این بنا به همت دختری (که هیچ ردی از نام و نشان وی یافت نشد) ساخته شد و شیروانی این حسینیه در سال ۱۳۴۳ به دست «حاجی محمدعلی فرزند حاجی زین‌العابدین شکوری» به اتمام رسیده است. در وسط حسینیه، سکویی بزرگ وجود دارد که سن مخصوص تعزیه‌خوانی است. فضایی مقابل این مکان قرار دارد که رختکن تعزیه‌خوان‌هاست و وسایل نیز در آنجا نگهداری می‌شود. در شهرستان کمیجان منطقه وفس نیز تعزیه با اقبال مناسبی مواجه است. وفس به علت برگزاری باشکوه مراسم تعزیه و همچنین سایر مراسم‌ها و آیین‌های مذهبی به «دار المؤمنین» معروف بوده و است. در این منطقه تعزیه با زبان‌های فارسی و ترکی اجرا می‌شود. تعزیه وفس تحت عنوان میراث معنوی شهرستان کمیجان در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است.

تعزیه سیار در اراک

تعزیه سیار، به نمایش درآوردن چندین دستگاه تعزیه به صورت هم‌زمان توسط چندین گروه تعزیه‌خوان در یک محل یا محل‌های مختلف اطلاق می‌شود. شیوه کار بدین‌گونه است که گروه نخست پس از پایان بخشیدن به کار خود در محل نخست، به محل دوم می‌رود و در آنجا همان دستگاه را برای تماشاچیان جدید تکرار می‌کند و دسته دوم جای آن را گرفته، دستگاه دیگری را به نمایش درمی‌آورد. آنگاه گروه نخست پس از به پایان بردن کار در محل دوم به محل سوم می‌رود و گروه دوم نیز که کار خود را در محل یکم پایان بخشیده جای گروه نخست را در محل دوم می‌گیرد. اکنون گروه سوم، جای گروه دوم را در محل نخست می‌گیرد و بدین‌سان چندین دستگاه تعزیه به صورت هم‌زمان به نمایش درمی‌آید. امروزه اجرای مراسم تعزیه‌خوانی به صورت میدانی و تکرار تعزیه‌خوانی دوران قاجار همچنان ادامه دارد، اما با گذشت زمان تعزیه‌خوانان تغییرات و تحولاتی در شیوه اجرایی تعزیه ایجاد کرده‌اند و به جز اجرای تعزیه به شکل سنتی و میدانی، شیوه‌های دیگر اجرای تعزیه نیز ابداع شده است. نمونه بارز آن اجرای تعزیه سیار است. اصولاً شبیه‌سازی‌های سیار و صامت پیش‌زمینه‌ای برای شکل‌گیری تعزیه‌خوانی شدند و ساختن شبیه از شهیدان کربلا و گاهی مخالفان و دشمنان اهل‌بیت (ع) و تجسم وقایع از گذشته‌ها مرسوم بوده است. شاید حرکت ذوالجناح به سمت خیمه‌ها پس از شهادت امام حسین (ع) نقطه شروع یک چنین مراسمی باشد.



تصویر ۶. تعزیه‌خوانی سیار



تصویر ۵. تعزیه‌خوانی سیار

در گذشته افرادی به عنوان نعلش در تابوت‌ها می‌خوابیدند و این تابوت‌ها را گروهی از مردم با ارابه‌ها حمل می‌کردند. در برخی از شهرهای ایران، کسانی که شبیه نعلش شده بودند، در ارابه‌هایی دراز می‌کشیدند و روی آن‌ها شن سرخ رنگ می‌ریختند؛ به طوری که فقط سرشان از زیر شن پیدا بود و بدین‌سان هم واقعه شهادت و هم صحنه واقعه دشت کربلا را به نمایش می‌گذاشتند. در تعزیه‌های سیار، دقیقاً تعزیه‌خوانی به صورت سیار و متحرک صورت می‌گیرد و نقش‌ها اقدام به خواندن اشعار می‌کنند.

تعزیه‌خوانی به صورت سیار در بیشتر مناطق کشور اجرا می‌شود. حتی مناطقی که فاقد گروه‌های تعزیه ثابت هستند نیز در عزاداری‌های کاروانی خود، بخش‌هایی از واقعه عاشورا را ولو بدون هیچ‌گونه متن و دیالوگی اجرا می‌کنند. در هیئت‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی که از محلی به محل دیگر می‌روند، معمولاً در میان آن‌ها افرادی با پوشیدن لباس تعزیه و سوار بر اسب در حال حرکت هستند. همچنین به صورت نمادین شیری که بالای جنازه‌ای نشسته، گهواره کودک و غیره را نیز بر روی وانت‌بار و یا کفی‌های تریلی مستقر کرده و به حرکت در می‌آورند و بر شکوه عزاداری‌ها می‌افزایند. خیمه سوزان و کاروان‌سرا از دیگر مواردی است که تقریباً در همه جای کشور حتی بدون دیالوگ و شعر برگزار می‌شود.

شیوه اجرای عزاداری‌های سیار در همه نقاط کشور یکسان است اما در هر منطقه‌ای رنگ و بوی

بومی و محلی از قبیل سازهای بومی، آهنگ‌های محلی، لالایی‌های محلی و غیره به آن بخشیده شده است. نمادهایی همچون حجله قاسم، گهواره علی اصغر، کجاوه، اسب، شتر، شیر، جنازه و غیره در همه مناطق مشترک است. با توجه به اینکه در بیشتر مناطق کشور، شبیه‌سازی عاشورایی به صورت سیار و صامت برگزار می‌شود، در برخی مناطق رسماً تعزیه‌خوانی صورت می‌گیرد و یا صورت می‌گرفته و امروزه منسوخ شده‌اند؛ به گونه‌ای که تعزیه‌خوانان به صورت سیار در حال حرکت هستند و به اجرای تعزیه می‌پردازند. این گونه تعزیه‌خوانی در شیراز با عنوان تعزیه عبوری، در همدان تعزیه گُذر به گذر، در کرمان تعزیه کاروانی، در شوشتر با عنوان تعزیه خیابانی معروف است اما شکل همه آن‌ها یکی است.

شکل متفاوتی از اجرای تعزیه سیار را باید در شهر اراک مشاهده کرد. این برنامه اجرای یک مراسم تعزیه‌خوانی بود و فرایند کامل یک اجرای مجلس تعزیه را در بر می‌گرفت با این تفاوت که به جای اجرای ساکن، تعزیه به صورت متحرک و سیار در یک مسیر تعریف شده‌ای به نام بازار سرپوشیده اجرا می‌شد؛ بدین صورت که یک مجلس کامل تعزیه به صورت سیار اجرا و از منظر تماشاچیان که در طرفین بازار ایستاده‌اند، عبور می‌کرد. این تعزیه در ۶ روز با اجرای ۶ مجلس متفاوت از ابتدای بازار اراک شروع و در انتهای بازار به پایان می‌رسید. در سال‌های اخیر این برنامه هنوز اجرا می‌شود.

تعزیه سیار و این شیوه منحصر به فرد تعزیه‌خوانی، از گذشته‌های دور در شهر اراک زبانزد خاص و عام بود و تعزیه‌خوانی سیار در اراک نسبت به تعزیه‌خوانی میدانی از شهرت بیشتری برخوردار بود. قدیم‌ترین سند از تعزیه‌های سیار اراک، پرچم‌ها و بیرق‌هایی است که از گذشته به جای مانده و تاریخ ۱۳۸۰ ه.ق (۱۳۳۹ ه. ش) درج شده است. گفته می‌شود این شیوه تعزیه‌خوانی تا اوایل دهه ۴۰ در اراک رایج بود^۱ و پس از آن از سال ۴۲ تا بعد از انقلاب نه تنها تعزیه بازار بلکه تعزیه به شیوه اجرایی مرسوم در تکایا و منازل نیز ممنوع شد. بازار اراک در طول دو ماه محرم و صفر در همه سراها پذیرای مراسم روضه‌خوانی بود که به همت بازاریان و حجره‌داران بازار برگزار می‌شد و به نوعی بازار در اراک به عنوان یک حسینیه تلقی می‌شد و اجرای تعزیه سیار

۱. البته این تاریخ بر اساس گفته و تحقیقات میدانی است و از چند نفر که پرسش شد همه تعزیه‌خوانی در دهه ۳۰ را تأیید کردند اما منابع مکتوب و تصویر و اسلایدی به دست نیاوردیم با این حال پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ادبیات دراماتیک با موضوع تعزیه سیار در اراک، نوشته هادی اشرفی، مربوط به سال ۱۳۵۷ به چشم می‌خورد و نگارش این پایان‌نامه تعزیه‌خوانی سیار پیش از انقلاب را تقویت می‌کند.

اوج عزاداری اراکی‌ها در بازار بود و این شیوه تعزیه‌خوانی پس از انقلاب از سر گرفته شد و پس از چهار سال (۵۹ تا ۶۳) تعطیل و دوباره از اوایل دهه ۹۰ شکل گرفته است.

در تعزیه سیار به طور کلی ساختار فیزیکی تعزیه به هم ریخته و اجرا به شکل میدانی تبدیل به اجرایی در یک مسافتی حدود یک کیلومتر می‌شود. تعزیه سیار اراک، بدین صورت است که تعزیه‌خوانان از اول بازار وارد شده و در حین نوحه‌سرایی و نمایش جریان کامل کربلا تا به آخر بازار می‌روند و آخر بازار ختم دستگاه است. در تعزیه سیار اراک از آنجا که انواع نقش‌ها اعم از زن و مرد و کودک و جوان در آن حضور دارند و در طول مسیر به صورت پیاده و سواره از ابتدا تا انتهای بازار حرکت می‌کنند، شباهت بسیاری با خود کاروان امام حسین (ع) دارد و به نوعی این شیوه تعزیه‌خوانی، شبیه‌سازی کاروان امام حسین (ع) است؛ چون ورود امام حسین (ع) به کربلا و همچنین خروج اهل بیت ایشان از کربلا هر دو به صورت کاروانی بود و اجرای این شیوه تعزیه‌خوانی درست به منزله به نمایش گذاشتن و شبیه‌سازی کاروان حسینی است.

در گذشته، شهر اراک دارای سه محله قلعه، حصار و عباس‌آباد بود و هر کدام از این سه محله، هیئت‌های مذهبی مختلفی تشکیل داده بودند که امروزه نیز این هیئت‌ها دایر هستند. هیئت‌های محمدی، سجادی، علی بن موسی الرضا (ع)، جوادی و قمر بنی‌هاشم مربوط به محله قلعه بودند و هیئت‌های زهرایی، بنی‌هاشمی، جعفری مربوط به محله حصار و همچنین هیئت‌های حیدری و سقا‌های حسینی مربوط به محله عباس‌آباد بودند.^۱ اجرای تعزیه سیار توسط دو گروه محله‌های قلعه و حصار صورت می‌گرفت. بازار اراک مرز بین دو محله قلعه و حصار بود و از ابتدای ورودی بازار، سمت شرق آن، محله قلعه و طرف غرب، محله حصار بود. ساکنان این دو محله قدیمی، طبق شنیده‌ها در بسیاری از موارد با یکدیگر نزاع داشته‌اند^۲ و دامنه آن اختلافات و رقابت‌ها به عزاداری نیز کشانده شد و در هر سال، محرم هر کدام از دو دسته که می‌خواستند زودتر وارد بازار شوند با مخالفت دسته دیگر روبرو می‌شد و خودبه‌خود منجر به ایجاد اختلال در نظم عزاداری می‌شد؛ بنابراین طرفین توافق کردند که هر روز صبح دستگاه محله قلعه و بعد از ظهر دستگاه محله حصار وارد بازار شوند.^۳ به غیر روز عاشورا که در آن روز، صبح دستگاه حصار و بلافاصله بعد

۱. اسامی هیئت‌ها برگرفته شده از نام معصومین هستند و به هیچ شخص و یا خانواده و یا نام خانوادگی خاصی مرتبط نیست، هیئت محمدی (برگرفته از نام حضرت محمد ص)، حیدری (حضرت علی ع).

۲. البته موضوع نزاع بین دو محله مربوط به زمان گذشته است و هیچ ارتباطی به دوران فعلی ندارد.

۳. اختلافی که بین دو محله قلعه و حصار وجود داشت، ناخواسته منجر به ایجاد رقابت نیز بین آن‌ها می‌شد و هر محله

از آن دستگاه قلعه وارد بازار می‌شد. مراحل مقدماتی تعزیه سیار اراک از چند ماه پیش از محرم آغاز می‌شد و هیئت امنای هر محل، جلساتی در منازل برپا می‌کردند و مقدمات این تعزیه از قبیل دعوت از تعزیه‌خوانان و مهیا کردن تجهیزات و امکانات فراهم می‌شد. هنگامی که نفرات را انتخاب می‌کردند، تمرینات شروع می‌شد که تعزیه‌خوانان زیر نظر پیشکسوتان تمرین می‌کردند. پس از بررسی، افراد مور نظر آماده می‌شدند و از بین این افراد، ورزیده‌ترین افراد به عنوان شاه نسخه خوان تعیین می‌شد. عده‌ای دیگر مشغول تهیه و آماده کردن لوازم جدید و لوازم قدیمی می‌شدند. مردم نیز تجهیزاتی می‌آوردند از قبیل پارچه‌های زری برای تزئین حجله‌ها، علم‌ها، کتل‌ها، بیرق‌ها و طوق‌ها که بر گردن اسب می‌آویختند. مردم قنداقه و گهواره علی‌اصغر، پیراهن عبدالله، طاقه‌های شال و بسیار وسایل دیگر را برای باشکوه‌تر شدن این مراسم اهدا می‌کردند. پس از آماده شدن وسایل و تجهیزات اجرای تعزیه، شبیه‌خوانان لباس‌های خود را اندازه کرده و وسایل مورد نیاز را تحویل می‌گرفتند.

پس از اجراء، وسایل را تحویل می‌دادند و تعزیه‌گردان طبق فهرستی که در دست داشت، همه را آماده می‌کرد و به ترتیب نوبت از جایگاه به طرف بازار حرکت می‌داد. از روز چهارم محرم، هیئت سقایان حضرت ابوالفضل (ع) با لباس‌های بلند و سفید و پاهای برهنه و مشک‌های آب و مرثیه‌سرایی به بازار می‌رفتند و عزاداری می‌کردند. اما اصل اجرای تعزیه از روز ششم محرم شروع می‌شد و از روز ششم تا دهم هر روز را به یکی از شهدا (معمولاً مسلم، حر، علی‌اکبر، عباس و امام علیهم‌السلام) نسبت می‌دادند و روز یازدهم مجلس بازار شام اجرا می‌شد. تعزیه‌خوانان دستگاه محله قلعه که صبح‌ها به بازار می‌رود از مسجد حاج علی^۱، ابتدای خیابان محسنی به طرف

قصد آن را داشت که تعزیه‌ای بهتر از محله دیگر اجرا کند که این موضوع از طریق انتخاب لباس‌های زیبا و حتی تعزیه‌خوانان ورزیده‌تر شکل می‌گرفت؛ چنانچه تعزیه‌خوانی در یک محله حضور می‌یافت، حق حضور در برنامه محله دیگر را نداشت و اگر چنین چیزی رخ می‌داد، جنگ و نزاع را بیشتر می‌کرد. می‌گفتند یکی از عوامل اجرایی تعزیه مربوط به یکی از محله‌ها توانسته بود در بین تعزیه‌خوانان محله دیگر نیز نفوذ پیدا کند؛ به طوری که صبح‌ها از طریق هیئت محله قلعه و عصرها از طریق محله حصار وارد تعزیه بازار می‌شد. هیئت‌ها به این موضوع پی بردند و چون پیرمردی بود و سالخورده و نقش چندان محوری‌ای هم در هیئت نداشت لذا این ماجرا را به جنگ و نزاع نکشاندند اما عنوان «وطن فروش» را برای او به کار بردند و این فرد در شهر مشهور شده بود به مشهدی فلانی وطن فروش.

۱. مسجد حاج علی در خیابان محسنی و دقیقاً در شرق بازار قرار دارد که به عنوان محل هیئت قلعه قلمداد می‌شد و امروزه به نام خیابان محسنی (از روحانیون اراکی در عهد قاجار) تغییر نام داده است. محله حصار که در غرب بازار بود، امروزه نیز به نام خیابان حصار معروف است. در این خیابان‌ها مساجد متعددی وجود دارد. اما تعداد مساجد خیابان محسنی و محله قلعه بیشتر از مساجد خیابان حصار است و این مساجد به نام اشخاص نام‌گذاری شده‌اند مانند

بازار حرکت می‌کردند. دستگاه محله حصار که بعد از ظهرها به بازار می‌رفتند به همان ترتیب پس از منظم شدن از مسجد آخوند، وارد بازار می‌شدند. در روزهای نهم و دهم، جریان کامل واقعه کربلا را شبیه درمی‌آوردند، دستگاه خیلی کامل و مجهز است و نیز باید گفت که نفرات مخالف یاران امام حسین (ع) در هر صحنه دارای تعدادی عرب به عنوان افراد لشکر بوده که تمام آن‌ها دارای لباس‌های عربی و اسلحه، به خصوص تیر و سرنیزه و شمشیر هستند. در روز دهم، لشکر ۵۰ نفره زعفر جنی - که نفرات آن با لباس‌های سفید و کلاه سیاه مخروطی شکل آهنین و نقابی که به صورت دارند و در دست هر کدام شمشیری است - وارد می‌شود. تشکیلات دستگاه در روز دهم خیلی مفصل است؛ روی ماشین بدون اطاقی صحنه یک بیشه و جنگل را نشان داده که شیری (انسانی در لباس شیری رفته است) از آن بیشه بیرون می‌آید و به کمک و پاسداری یاران امام حسین (ع) می‌رود. نحوه تعزیه‌خوانی در تعزیه سیار اراک بدین صورت بود که هر فقره‌ای از یک مجلس را که دارای آغاز و پایان بود، تفکیک و به کوپه‌های مختلفی تبدیل می‌شد و در برخی موارد معمولاً فقره‌های برجسته را اجرا می‌کردند. پس از اینکه هر کوپه‌ای نقش خود را برای جمعیتی اجرا می‌کردند، حرکت کرده و جای کوپه قبلی قرار می‌گرفتند و به اجرای همان فقره می‌پرداختند که قبلاً اجرا کرده بودند. معمولاً تقسیم کوپه‌ها به گونه‌ای بود که هر کوپه ادامه دهنده کوپه قبل بودند و بدین ترتیب مردم یک تعزیه را به طور کامل با شبیه‌خوانان مختلف مشاهده می‌کردند. نسخی که در تعزیه سیار به کار گرفته می‌شد از نسخ انجم بود.

پیش از حضور شبیه‌خوان‌ها، در ابتدای دستگاه، تعداد کثیری علم و پرچم به اندازه‌های مختلف به وسیله بچه‌ها و بزرگسالان حمل می‌شود و به عنوان طلیعه دستگاه است. پس از آن، پرچم اختصاصی تعزیه‌داران هر محله اعم از حصار و یا قلعه حمل می‌شد و بزرگان و ریش‌سفیدان و افراد هیئت‌های مختص هر محله با پرچم اختصاصی تعزیه‌داران حرکت می‌کردند.

پشت سر ریش‌سفیدان شخصی با لباس عربی و لهجه‌ای غم‌انگیز بنام چاووش و یا بشیر حرکت می‌کرد و چاووشی ماه محرم را اعلام می‌کرد که این شخص یکی از مداحان سال‌خورده هر محله بود که آواز و صدای رسایی داشت. پس از چاووش، نوبت حرکت نقاره‌خانه‌ها بود که چند نفر شتر، طبل‌های بزرگی به پشت آن‌ها می‌بستند؛ طبالان لباس‌های مخصوص آبی‌رنگ و کلاه‌های

منگوله‌دار زری دوزی شده می‌پوشیدند؛ عده‌ای هم سرنانواز با لباس قرمز بر شترها سوار بودند که آهنگ‌های دشتی حزن‌انگیز می‌نواختند. بعد سرناها قطع می‌شد، طبالان آهنگ‌های مخصوص خود را می‌نواختند. بعد از نقاره‌خانه، سقایان با لباس مشکی و کودکانی که لباس سفید پوشیده بودند، وارد بازار می‌شدند. چوپان با لباس مخصوص شبانی به همراه چند گوسفند، پس از سقایان حرکت می‌کرد. پس از آن حرکت خوانچه‌های دامادی حضرت قاسم و گهواره علی‌اصغر در پیش رو بود که این خوانچه‌ها با آیین، شمعدان، شیرینی و اسفند همراه می‌شد.

پس از حرکت خوانچه‌ها، هیئت کودکان شاهزاده قاسم و شاهزاده علی‌اصغر حرکت می‌کردند و به صورت دسته‌جمعی نوحه‌هایی را می‌خواندند. پشت سر آن‌ها علامت‌ها، چلچراغ‌ها، کتل‌ها، پرچم‌های رنگارنگ قرار داشت و سپس کوبه‌های تعزیه‌خوانی وارد بازار می‌شد. پس از عبور هر کوبه تعزیه، علامت و چلچراغی عبور می‌کرد و کوبه بعدی حرکت می‌کرد؛ به صورتی که علامت‌ها و چلچراغ‌ها تفکیک‌کننده کوبه‌های تعزیه‌خوانی بودند و مانع درهم آمیختن صدای تعزیه‌خوانان نیز می‌شد.

پس از عبور همه کوبه‌های تعزیه‌خوانی، دسته سینه‌زنی با زنجیرزنی وارد می‌شد که به این صورت تعزیه از ابتدا تا انتهای بازار صورت می‌گرفت. محله قلعه پس از خروج از بازار به سمت راست و خیابان محسنی حرکت می‌کردند و از عزاداری خارج می‌شدند و محله حصار به سمت چپ بازار و خیابان حصار حرکت می‌کردند. این شیوه در طول تمامی روزهای اجرای تعزیه سیار یکسان بود و فرق اجرایی تعزیه فقط در مجلس و نسخه تعزیه بود به عنوان نمونه در روز ششم که تعزیه مسلم اجرا می‌شد با روز هفتم که مربوط به تعزیه حر بود، فقط نقش‌ها با یکدیگر تفاوت داشتند، بقیه موارد از قبیل ورود و خروج دسته‌ها و غیره، هیچ تفاوتی نداشتند. اما در روز یازدهم محرم که تعزیه بازار شام و آخرین برنامه تعزیه سیار اجرا می‌شد، علامت‌ها به نشانه عزا و سوگ امام حسین سیاه‌پوش می‌شدند، علم‌ها و کتل‌ها که در روزهای قبل برافراشته بودند در این روز فرو می‌افتادند، چلچراغ‌ها خاموش می‌شدند و حتی مغازه‌ها و حجره‌های بازار نیز چراغ‌ها را خاموش می‌کردند و به جای آن‌ها شمع روشن می‌کردند.

در این روز در ابتدای بازار و پیش از ورود تعزیه‌خوانان، دست‌اندرکاران تعزیه سیار از آن‌ها با دادن خلعت و انعام تشکر می‌کردند و معمولاً به عنوان هدیه، یک قواره کت و شلوار بر دوش هر تعزیه‌خوان سنجاق می‌شد و تعزیه‌خوان به همان صورت که پارچه کت و شلوازی را بر دوش خود سنجاق کرده بود به خواندن تعزیه ادامه می‌داد. بزرگان و تعزیه‌گردان‌های هر دو محله با نثار

دسته‌های گل به مأموران شهربانی به جهت ایجاد نظم و امنیت تشکر می‌کردند. کیفیت و چگونگی اجرای تعزیه سیار به کیفیت اجرای تعزیه در تهران و تکیه دولت بسیار شباهت دارد. در تکیه دولت نیز قبل از ورود تعزیه‌خوانان دسته‌های مختلفی وارد تکیه می‌شدند و از منظر عبور می‌کردند؛ دسته‌جاتی از قبیل شتران، نقاره‌زنان، زنبورک‌چیان و غیره. مردم نیز در اطراف حضور داشتند. در تعزیه سیار اراک، حجره‌ها و مغازه‌ها، حکم طاق‌نماهای تکیه دولت را داشتند. مغازه‌ها توسط مالکان آن‌ها مزین می‌شد به پرچم‌ها، کتیبه‌ها و شمع‌ها و غیره. هر مغازه در بازار اراک، محلی بود برای جلوس صاحب مغازه و خانواده او و دوستان و آشنایانش. عامه مردم که در بازار سهمی نداشتند به ناچار در جلوی مغازه‌ها می‌نشستند و تعزیه را می‌دیدند. همانگونه که در تکیه دولت، هر یک از طاق‌نماها مربوط به یکی از رجال دربار بود و توسط خود او با پارچه و پرچم تزئین می‌شد و به همراه دوستان و اعضای خانواده خود در طاق‌نما می‌نشستند، مردم عامه هم در اطراف گذرگاه بازی تعزیه‌خوانان در حول سکوی تعزیه می‌نشستند و گاهی هم ابزاری از وسایل تعزیه به طرفشان پرتاب می‌شد و یا اسب به آن‌ها لگد می‌زد.

شباهت دیگر تعزیه سیار اراک با تعزیه‌خوانی تکیه دولت، انعامی بود که در روز آخر اجرای تعزیه، به شبیه‌خوانان اهدا می‌شد که همین قضیه در تکیه دولت نیز به انجام می‌رسید و در پایان تعزیه، ناصرالدین‌شاه به شبیه‌خوانان هدایایی اعطا می‌کرد. بنابراین چگونگی اجرای تعزیه سیار در بازار اراک به طور حتم از تعزیه‌خوانی تکیه دولت الگوبرداری شده است. به خصوص اینکه قدمت شهر اراک به دوره قاجار برمی‌گردد و این شهر توسط قاجاریان بنا نهاده شده و شاید تردد درباریان به این شهر موجب شکل‌گیری چنین شیوه عزاداری شده باشد. به نوعی می‌توان اذعان کرد که تفاوت بازار اراک با تکیه دولت در این است که بازار ساختمانی مستقیم دارد اما تکیه دولت دارای ساختمانی مدور بود. به همان صورتی که بازار طویل اراک تبدیل به تکیه شده بود، تکیه دولت نیز به جز اجرای تعزیه، می‌توانست به یک بازار مدور تبدیل شود؛ بدون اینکه کوچک‌ترین تغییر و تحولی در فیزیک آن ایجاد گردد و تمامی طاق‌نماها دقیقاً قابلیت تبدیل شدن به مغازه را داشتند.

در اجرای تعزیه سیار بازار اراک، تابلویی در ابتدای هر کوپه حمل می‌شد که در آن شماره کوپه و نام نقش‌های آن کوپه در آن درج شده بود. به عنوان مثال (کوپه شماره ۷- گفتگوی پور اشعث با هانی) این تابلوها به منظور آشنایی مردم از وقایع درون کوپه تهیه می‌شد و معمولاً توسط کودکان حمل می‌شد. برخی از صحنه‌ها از قبیل مجلس یزید و یا ابن زیاد که تعزیه‌خوانان بدون هیچ حرکتی

باید به اجرای تعزیه می‌پرداختند، معمولاً بر روی واگن‌های مخصوصی اجرا می‌شد که توسط چند نفر حمل می‌شدند. زندان ابن‌زیاد در تعزیه طفلان مسلم نیز یکی دیگر از کوپه‌هایی بود که باید در تختی مستقر و وسایلی همچون کنده و زنجیر را با خود داشته باشد تا بیانگر مفهوم زندان باشد. این تخت نیز توسط چند نفر حمل می‌شد و طفلان مسلم بر روی این تخت اجرای نقش می‌کردند. داستان شیر و سلطان قیس، پاسداری شیر از نعش شهدا، رود فرات، چوب زدن یزید بر سر بریده امام حسین و غیره، از مواردی بودند که می‌بایست با تمهیداتی ساخته و توسط چند نفر حمل می‌شدند.

برای نمایش سر بریده امام حسین (ع)، محفظه‌ای شبیه میز تعبیه می‌شد و شخصی درون آن قرار می‌گرفت؛ در حالی که سر او از بالای محفظه بیرون آمده و درون طشتی قرار گرفته، شروع به تلاوت قرآن می‌نمود. رود فرات نیز شامل طشتی بود که چهار طرف آن را با چوب می‌بستند و توسط دو نفر حمل می‌شد و عباس‌خوان نیز در کنار آن حرکت می‌کرد. تعزیه سیار شیوه‌ای از اجرای تعزیه است که با تعزیه‌های میدانی قابل مقایسه نیست. این شیوه تعزیه مجموعه‌ای است از چندین برش خلاصه شده از یک مجلس تعزیه که همین امر موجب اخلال در یکدست شدن و هماهنگی آن، به هنگام وصل کردن برش‌های متعدد به یکدیگر می‌شود. این موضوع خودبه‌خود سبب می‌شود تا بسیاری از ظرایف و دقایق جاری در اجرای یک مجلس کامل، حذف و یا نادیده گرفته شود.

در تعزیه سیار نقش‌ها معمولاً با یکدیگر هیچ فرقی نداشته و نمی‌توان در تعزیه سیار ترتیب نقش اول و دوم را مشاهده کرد. اگر در کوپه‌ای قسمت گفتگوی بین شریح و حضرت مسلم را شاهد باشیم، در این کوپه فقط این دو شبیه‌خوان با یکدیگر مکالمه می‌کنند و هیچ تفاوتی بین نقش شریح و نقش مسلم نیست؛ چون فقره‌های بعد از مکالمه، توسط کسان دیگری اجرا می‌شود. اما در تعزیه ثابت، تعزیه‌خوان نقش مسلم قبل از مکالمه با شریح، اتفاقات دیگری هم دیده است و به عنوان نقش اول تعزیه مسلم قلمداد می‌شود. بسیاری از صحنه‌های تعزیه را فقط یکبار می‌توان در طول نمایش تعزیه انجام داد، اما در تعزیه سیار باید از چنین صحنه‌هایی صرف‌نظر کرد. مواردی همچون زره‌پوشی که در حین اجرای آن باید تعزیه‌خوان لباس‌های عربی را از تن درآورده، لباس رزم را بر تن کند، برای مرتبه بعد قابل اجرا نیست؛ زیرا هنگامی که لباس‌های رزم را بر تن می‌کند برای تکرار این اجرا نیاز به فاصله زمانی مناسب است تا لباس رزم را از تن جدا کرده و مجدد لباس عربی به تن کند. صحنه‌هایی همچون خواب و یا کشته شدن قهرمان تعزیه نیز در

اجرای تعزیه سیار دچار اخلال می‌شود؛ زیرا پس از اینکه بر روی زمین دراز کشیده بلافاصله باید برخاسته و به محل دیگری می‌رفتند. که این مورد آخر را معمولاً در گاری‌های مخصوص اجرا می‌کردند. در اینگونه تعزیه از ظرفیت‌های نمایشی موجود در تعزیه ثابت استفاده نمی‌شود. نبود سکوی اجرای نمایش و چرخش‌های نمادین به دور آن، منجر به ایجاد اختلالاتی در امر تعزیه می‌شود.

همچنین هنر تعزیه‌خوان فقط خلاصه می‌شود به خواندن یک بخش از تعزیه که باید از ابتدا تا انتها این مورد را تکرار کند. در موارد بسیاری، تعزیه‌خوان در ابتدای بازار، نقش خود را به خوبی اجرا می‌کند اما پس از طی مسافتی و تکرار چند باره آن، خستگی در صدای شبیه‌خوان به حدی می‌رسد که در انتهای بازار دیگر توان اجرای آن را ندارد. همچنین تعزیه‌خوانانی که در این‌گونه تعزیه مهارتی داشتند به عنوان تعزیه‌خوان بازاری شناخته می‌شدند؛ چون فقط توانایی یک بخش از نسخه را داشتند و شاید در یک مجلس تعزیه ثابت از عهده اجرای نقش خود بر نمی‌آمدند. کاسته شدن از تحرکات و مکث‌های منطقی تعزیه‌خوانان به هنگام مکالمات و رجزخوانی‌ها و غیره؛ قطع پیوستگی، از بین رفتن یکدستی و یکپارچگی سرعت و ریتم اجرا از دیگر موارد نقصان در این تعزیه است.

نتیجه‌گیری

برگزاری مراسم سوگواری سالار شهیدان در استان مرکزی از عمده برنامه‌های مردمی این خطه است که طبق اسناد و مدارک به دست آمده از دوران قاجار به بعد در این مقاله به ثبت رسید. برگزاری تعزیه‌های ثابت و سیار و همچنین حضور نسخه‌نویسان تعزیه، اجرای تعزیه‌خوانی با زبان‌های فارسی و ترکی و همچنین وجود چهار تکیه به جای مانده از دوره قاجار در شهرهای تفرش، فرمپین، ساوه و محلات باعث گردید که تعزیه‌خوانی با فرهنگ عمومی مردم استان مرکزی عجین شود و مردم از این طریق ارادت خود را به اهل بیت (ع) اثبات نمایند.

منابع

- اتحاد، هوشنگ. (۱۳۸۹). پژوهشگران معاصر ایران. ج ۸. تهران: فرهنگ معاصر.
- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک؛ ایران و ایرانیان. ترجمه کیکاووس جهانداری. چ ۲. تهران: انتشارات خوارزمی.

- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان. (۱۳۸۵). *راحة الصدور و آية السرور در تاريخ آل سلجوق*. به تصحیح محمد اقبال. تهران: اساطیر.
- *روزنامه دولت علیه ایران*. (۱۳۷۰). مدیر و نقاش میرزا ابوالحسن خان صنیع‌الملک غفاری. [نمره ۴۹۸]. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. صص ۲۲۰-۲۲۸.
- *روزنامه وقایع اتفاقیه*. (۱۳۷۳). تهیه و تنظیم کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. ج ۲ (شماره‌های ۲۳۱-۲۶۰). [نمره ۲۳۲]. تهران: کتابخانه جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه. صص ۱۴۵۳-۱۴۵۸.
- *فووریه، ژوآنس*. (۱۳۶۲). *سه سال در دربار ایران: خاطرات دکتر فووریه پزشک ویژه ناصرالدین شاه قاجار*. ترجمه عباس اقبال آشتیانی. به کوشش همایون شهیدی. تهران: دنیای کتاب.
- قاضی عسگر، سیدعلی. (۱۳۹۱). *سفرنامه میرزا داوود وزیر وظایف*. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری مشعر.
- مجللی، اسماعیل. (۱۳۹۷). *شبیبه نامه (سیری در چگونگی شکل گیری تعزیه در ایران)*. تهران: نشر فکر بکر.